



میدان سعادت (سعادت‌آباد)، میدان بزرگ قزوین صفوی؛ بازخوانی تحولات تاریخی در دوره صفوی و قاجار

رضا رحیم‌نیا *

استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
(نویسنده‌ی مسئول)

علی شهابی‌نژاد **

استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۵/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۳/۱۰

چکیده

بخش زیادی از ساخته‌های دوره پایتختی قزوین در زمان شاه‌طهماسب تخریب شده و در حال حاضر آثار محدودی از آن‌ها پابرجاست. بخشی از این تخریب‌ها به حدی بوده که حداقل نشانه‌های موجود از آثار نیز از بین رفته و تنها در متون و اسناد تاریخی می‌توان نامی از آن‌ها را مشاهده کرد. یکی از این عناصر از بین رفته در قزوین صفوی میدان اصلی شهر است. در پایتخت‌های صفوی میدان به‌عنوان یکی از عناصر مهم حکومت و فراتر از یک کالبد، از نگاه عملکردی نیز شایان توجه بوده است. مطالعاتی که درباره شهر صفوی قزوین انجام شده تلاش کرده‌اند تا فضای شهر شاهی را علی‌الخصوص در دوره اوج خود تصویر کنند؛ اگرچه که در نتایج نهایی آن‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد. درباره میدان سعادت به‌طور مستقل و با بررسی تمام شواهد، مطالعه دقیقی وجود نداشته و اغلب در خلال بررسی شهر صفوی قزوین از این میدان یاد شده است. بررسی و بازخوانی تحولات تاریخی میدان نیاز به یک مطالعه دقیق‌تر را پررنگ‌تر می‌کند. اینکه این میدان از نظر وجوه کالبدی و عملکردی و همچنین مکانی چه ویژگی‌هایی داشته ساختار کلی این مقاله را شکل داده است.

در این مطالعه تلاش شده با بررسی و تحلیل اسناد و مدارک تاریخی، شواهد کالبدی و علی‌الخصوص توصیفات تاریخی موجود، تصویری از وضعیت میدان سعادت ارائه شود. این مطالعه با روشی تفسیری - تاریخی به تحلیل روایی و تشریحی از رخدادها و توصیفات در این باره پیش رفته است. در کنار این مطالعات پیمایش‌های میدانی نیز مدنظر بوده و شواهد کالبدی موجود در محل بازار و محدوده میدان بررسی شده‌اند. علاوه بر پرداختن به وضعیت کالبدی و عملکردی میدان در عصر صفوی، تلاش شده تا تحولات تاریخی میدان در عصر قاجار و پهلوی نیز مرور شوند. در این راستا نحوه تعامل و ارتباط بین میدان اصلی قزوین صفوی با دیگر عناصر کالبدی شهر و محدوده بازار قزوین و آثار آن مورد کنکاش قرار گرفته است. با توجه به نتایج حاصله، میدان سعادت یک میدان عمومی شهری است که در کنار بازار و دیگر عناصر کلیدی، محل بازنمایی سیاست‌ها و دیدارهای شاه نیز بوده است. موقعیت مکانی این میدان با دو احتمال و با توجه به نشانه‌های موجود و محورهای شاخص صفوی ارائه شده است. فضای میدان بعدها توسط بازار قزوین و ساخت‌وسازهای اطراف آن پُر شده است. باید در نظر داشت که درک دقیق و قطعی مکان، ابعاد، شکل و ویژگی‌های میدان نیازمند مطالعات و علی‌الخصوص گمانه‌های باستان‌شناسانه است که باید مدنظر قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: قزوین، میدان سعادت، سعادت‌آباد، صفوی، قاجار.

۱. مقدمه

در دوره صفویه، قزوین بعد از تبریز و قبل از اصفهان، دومین پایتخت صفویان بوده است. بررسی‌ها و مطالعات انجام شده در شهرهای این دوره نشان می‌دهد که آن‌ها از الگوی ویژه‌ای در شهرسازی تبعیت می‌کردند و عنصر میدان بزرگ شهری، جزئی لاینفک از استخوان‌بندی آن‌هاست. در سه پایتخت صفویان (تبریز، قزوین و اصفهان)، این قاعده قابل مشاهده است. تحولات میدان در دوره صفویه از یک روند تکاملی تبعیت می‌کند و کشف این روند، مستلزم بررسی یکایک میدان‌های بزرگ شهری است که در پیشبرد این روند نقشی بر عهده داشته‌اند^۱. البته باید در نظر داشت که منظور میدان‌های بزرگ شهری است و این بحث میدان‌های محلی و کوچک شهری را در بر نمی‌گیرد. میدان صاحب‌الامر تبریز و تغییرات انجام شده در آن نقاط مهم کمتری داشته و بازخوانی شده است^۲. میدان نقش‌جهان اصفهان نیز با توجه به اینکه آخرین پایتخت صفویان بوده با تغییرات کمتری همراه بوده است؛ و در نتیجه ساختار کلی آن کمتر دچار پرسش و سؤال بوده و سیر شکل‌گیری آن نیز مورد پژوهش قرار گرفته است^۳. در این میان، شناسایی محدوده کنونی و ویژگی‌های میدان اصلی قزوین در عصر صفوی به دلیل تغییرات بسیار و حذف شواهد و بقایای کالبدی آن، با اختلاف نظرهایی همراه بوده و اگرچه تلاش‌هایی برای آن صورت گرفته، ولی به نتیجه کافی و دقیق نرسیده است.

شناخت میدان اصلی شهر در قزوین عصر صفوی (میدان سعادت یا میدان سعادت‌آباد)، علاوه بر ارائه نقش اجتماعی و سیاسی این فضا، ارائه‌دهنده ابعاد فرهنگی و سازمان کالبدی- فضایی میدان اصلی شهر صفوی قزوین خواهد بود؛ علی‌الخصوص که در بررسی سیر تکامل میدان‌های شهری صفوی و شناخت کامل قزوین عصر صفوی نقش شاخصی را ایفا خواهد کرد. با توجه به بررسی‌های تاریخی و اقوال موجود از قزوین عصر صفوی و فضاهای شهری موجود در زمان پایتخت بودن این شهر، دستیابی به یک اتفاق نظر درباره وضعیت میدان اصلی شهر به‌عنوان هدف مورد توجه است. در راستای دستیابی به این هدف و بررسی ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی این میدان در دوره صفوی، مجموعه متون و اسناد تاریخی، سفرنامه‌ها و نگاره‌های تاریخی مرتبط با قزوین عصر صفوی بررسی و با مرور و تحلیل آن‌ها همراه با مطالعات

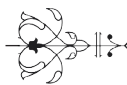
میدانی جمع‌بندی انجام گرفته است. یکی از نکاتی که در این مطالعه در کنار تحلیل اطلاعات ارائه شده در اسناد و سفرنامه‌های موجود به آن توجه شده، مروری بر نتایج پژوهش‌های انجام شده در سال‌های اخیر نیز بوده است. گفتنی است مهم‌ترین منبع در بررسی ویژگی کالبدی و اجتماعی میدان اصلی قزوین صفوی در دوره‌های مختلف به‌ویژه دوره‌های قبل از تاریخ معاصر، سفرنامه سیاحان و تاریخ‌نگارانی است که از خصوصیات و ویژگی‌های میدان خبر داده‌اند. علاوه بر این مطالعات پژوهشگران معاصر درباره میدان نیز برخی نقاط مبهم پژوهش را روشن کرده‌اند. باید در نظر داشت که اسناد مرتبط با میدان گسترده، کامل و دقیق نبوده است؛ و باید بیشتر مجموع آن‌ها را در کنار هم در جهت بازشناسی فضای باز میدان تاریخی شهر مورد کنکاش قرار داد. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد میدان صفوی قزوین نیز همچون میدان شهرهایی که به پایتختی انتخاب شدند؛ جایگاه ویژه‌ای هم در میان عموم مردم و هم در نشان دادن قدرت حکومت صفویه داشته است. اگرچه اشاره به میدان قبل از دوره شاه‌طهماسب وجود دارد ولی به نظر می‌رسد ساختار اصلی این میدان در دوره شاه‌طهماسب بنیان گذارده شده؛ و در بیشتر دوره صفویه از رونق خوبی برخوردار بوده است. در اواخر دوره صفویه این میدان رو به افول نهاد و بدنه آن در دوره‌های بعد، از جمله دوره قاجار مورد تخریب قرار گرفت و فضای درونی آن نیز در حال حاضر اشغال شده است.

پرسش‌های پژوهش

- ویژگی‌های ساختاری-کالبدی میدان سعادت قزوین به‌عنوان یک فضای شهری در دوره صفوی چیست؟
- وجوه فعالیتی- عملکردی میدان در زمان رونق به‌عنوان یک فضای شهری چگونه بوده است؟
- تحولات تاریخی میدان سعادت از نظر کالبدی و عملکردی بعد از دوره صفوی چگونه پیش رفته است؟

۲. پیشینه تحقیق (قزوین صفوی و میدان شهری)

مطالعات انجام‌شده درباره قزوین عصر صفوی و فضاهای باز شهری - که منابعی در خور توجه برای این پژوهش هستند- را می‌توان در چند گروه کلی دسته‌بندی کرد. گروه اول اسناد، تصاویر و سفرنامه‌هایی هستند که در دوره صفوی نگاشته شده است؛ و منابع اصیل این پژوهش



در نهایت نتوانسته‌اند تمام شواهد، اقوال و اسناد تاریخی را در این باره به نتیجه دقیق و کامل برسانند. اختلاف در محل قرارگیری و وجود نقاط مبهم درباره میدان‌های شهری در قزوین از یک طرف و سردرگمی در عناوینی مثل «میدان اسب»، «آت میدان»، «میدان چوگان»، «میدان سعادت»، «میدان سعادت‌آباد»، «سنگه (زنکه) میدان (میدان سنگ)»، «میدان شاه»، «میدان اسب شاهی»، «میدان جعفرآباد»، و... که در منابع تاریخی آمده؛ نکته حائز توجه در تمامی پژوهش‌های انجام شده است. در پژوهش‌های اخیر، دیزانی (۱۳۹۲، ۶۵-۶۶) از یک میدان شهری (میدان بزرگ شهر یا میدان شاهی) نام می‌برد و در پژوهش‌هایی دیگر (عالمی ۱۳۸۷، ۵۰؛ نوروزبرازجانی و جوادی ۱۳۹۵؛ رضایی‌پور و دیگران ۱۳۹۶، ۶۴-۶۷) از دو میدان نام برده می‌شود. باین‌وجود قابل‌بحث‌ترین و نزدیک‌ترین تلاش‌ها در راستای رسیدن به این موضوع (میدان و فضای باز شهر شاهی) در پژوهش‌های ویرث (۱۹۹۷)، دیزانی (۱۳۹۲)، نوروزبرازجانی و جوادی (۱۳۹۵) و جیحانی و رجیبی (۱۳۹۸) قابل بحث است که وجود میدان اصلی شهر را متفاوت از فضای جلوی سردر عالی‌قاپو دانسته‌اند. در مجموع باید در نظر داشت که بحث میدان در قزوین صفوی به دو فضای شهری متفاوت اطلاق شده است. یکی از این فضاها «جلوخان عالی‌قاپو یا میدان اسب» و دیگری «میدان سعادت یا سعادت‌آباد» است.^۶ با این توضیح آنچه در این مقاله آمده است؛ مرتبط با میدان اصلی شهر شاهی است که کاملاً مجزا از فضای جلوی سردر دولت‌خانه صفوی است. توضیحات دقیق‌تر این موضوع در متن مقاله ارائه شده است.

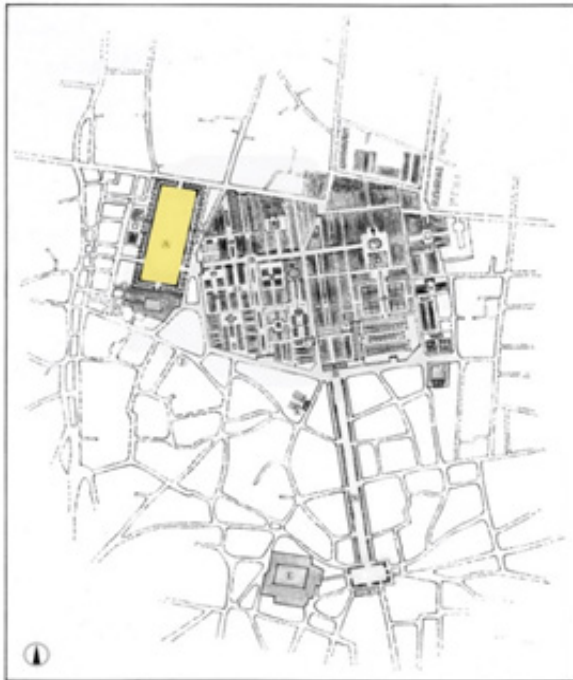
اگرچه در مطالعه برخی پژوهشگران^۷ نامی از میدان شاهی قزوین (میدان سعادت) آمده و به ضرورت مطالعه آن اشاره شده است؛ ولی مکان این میدان و وضعیت آن در امروز مورد کنکاش دقیق قرار نگرفته و اغلب به‌عنوان یک نقطه مبهم معرفی شده است. این در حالی است که کمپفر در نقشه خود از قزوین صفوی این میدان را در کنار کاروانسرا و بازار نشان داده است؛ و علاوه بر متون تاریخی، برخی پژوهشگران نیز به آن پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه امیرشاهی (۱۳۸۶) در جستجوی ایده و چگونگی شکل‌گیری میدان نقش‌چهان و ساخت آن و نوروزبرازجانی و جوادی (۱۳۹۵)، دقیقاً از میدان سعادت نام برده و با توجه به منابع تاریخی توصیفات خوبی از میدان سعادت ارائه کرده‌اند.

خواهند بود. نوشته‌های پیترو دل‌واله، تصاویر کمپفر و توصیفات اولتاروس نمونه‌های شاخص این پژوهش‌ها هستند. گروه دوم منابع و متون تاریخی است که در خلال مرور اتفاقات و رویدادهای تاریخی و یا توصیف آن‌ها، اشاراتی نیز به میدان و فضای باز شهری قزوین صفوی داشته‌اند. نمونه‌ای از این توصیفات در عالم‌آرای عباسی و خلاصه التواریخ آمده که قابل توجه و استناد هستند. علاوه بر این منابع اصیل، گروهی از پژوهش‌ها نیز در دهه‌های اخیر در جهت بازنمایی قزوین صفوی و یا سیر تکامل میادین شهری صفوی تلاش کرده و با توجه به اسناد و نوشته‌های تاریخی درباره ویژگی‌های این میدان حرف به میان آورده‌اند. مقالات پژوهشگرانی مثل عالمی، امیرشاهی، جیحانی، دیزانی، مجابی، یاراحمدی و دیگران، دبیرسیاقی، و... نمونه‌های این‌گونه پژوهش‌ها هستند.

شهر صفوی قزوین موضوع پژوهش‌های متفاوتی قرار گرفته که چه در راستای بازنمایی کل ساختار شهر تلاش داشته‌اند و چه تک بناها و فضاهای موجود در شهر شاهی صفوی را مورد توجه قرار داده‌اند.^۴ در برخی موارد نیز روایتگر تاریخ گذشته بر اساس آثار تاریخی و رویدادهای سیاسی، اجتماعی آن‌ها بوده‌اند (دبیرسیاقی ۱۳۸۱، ۱۳۸۳). این تلاش‌ها برخی موارد با تکیه بر گروهی از اسناد و متون تاریخی (عالمی ۱۳۸۷؛ دیزانی ۱۳۹۲؛ ۱۳۹۳؛ امیرشاهی^۵ ۱۹۸۱؛ نوروزبرازجانی و جوادی ۱۳۹۵؛ جیحانی و رجیبی ۱۳۹۸) و یا حتی تنها اشعار شاعران آن دوره (یاراحمدی و همکاران ۱۳۹۷) شکل گرفته و تصویری از شهر صفوی و فضاهای معمارانه آن ارائه کرده‌اند. علاوه بر موضوع شهر صفوی و دولت‌خانه و باغ سعادت‌آباد که بیشتر مورد پژوهش بوده است؛ توصیف و مکان‌یابی فضای تاریخی میدان یا فضاهای باز شهری قزوین اگرچه در خلال پژوهش‌ها مدنظر بوده ولی به‌طور خاص مورد کنکاش قرار نگرفته است. در این میان پژوهش‌های محدودی نیز وجود دارند که درباره میدان و فضاهای باز شهری بیشتر بحث کرده‌اند.

اغلب پژوهش‌های موجود موضوع شهر صفوی را به‌طور خاص و یا میدان را به‌عنوان یک جز در کنار دیگر میادین شهری و با نگاهی تطبیقی بررسی کرده‌اند. در همین اشارات انجام شده نیز درباره ویژگی‌ها و مکان این فضاهای شهری تاریخی اختلاف‌نظر وجود داشته و دارد و با اینکه هر کس تلاش کرده با توجه به برداشت خود تصویری دقیق از آن‌ها ارائه دهد؛ ولی متأسفانه

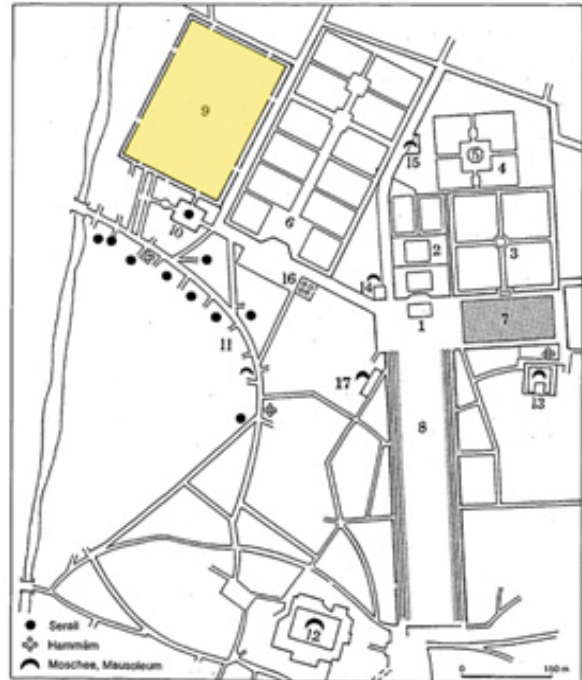




A. میدان شاه B. دروازه عالی قاپو C. ارشی خانه
D. استخر E. مسجد جامع F. مسجد حیدریه G. قیصریه
H. کاروانسرای شاه I. بازار جدید J. بازار قدیم K. امامزاده
اسماعیل L. مسجد پنجعلی M. عمارات مشرف به میدان
N. خیابان O. مدرسه و بقعه پیغمبریه P. دیوانخانه جدید (کاخ
چهلستون) Q. برج کبوتر R. دیوانخانه قدیم
تصویر ۲. بازآفرینی شهر شاهی صفوی قزوین
(مأخذ: دیزانی ۱۳۹۲، ۶۸)

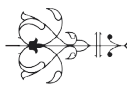
قابل توجه است که نسبت عرض به طول میدان ۱ به ۱/۶ در نظر گرفته شده است. در بازنمایی ارائه شده توسط دیزانی (تصویر ۲) نیز از نظر موقعیت مکانی میدان در محدوده‌ای شبیه به مطالعات دیگر ارائه شده ولی میدان از نظر ابعاد کاملاً متفاوت است. دیزانی میدان را با حرف A نشان داده و از سمت جنوب منتهی به کاروانسرای شاهی و قیصریه، از شمال به گذر رشت، از شرق به مجموعه باغ‌های سعادت‌آباد و از غرب در جوار بازار در نظر گرفته است. نسبت طول به عرض در این بازنمایی حدود ۱ به ۳ است. غیر از این پژوهش‌ها، در برخی از بازنمایی‌ها نیز تنها نامی از میدان سعادت آمده است.^۹

در مجموع آنچه نقطه شاخص این مطالعه نسبت به دیگر مطالعات انجام شده می‌باشد؛ ارائه تصویری کامل‌تر از ویژگی‌های میدان سعادت با تکیه بر اسناد و اقوال تاریخی و نیز بازخوانی تحولات میدان از دوره صفوی تا



۱. فضای مقابل ورودی به محدوده کاخ (جلوخان) ۲. دفاتر اداری و دولتی (دیوانخانه) ۳. حرمسرا ۴. دولتخانه ۵. چهل ستون ۶. باغ سعادت‌آباد ۷. میدان اسب ۸. خیابان ۹. میدان سعادت‌آباد ۱۰. جایگاه بازدید شاه ۱۱. بازار ۱۲. مسجد جامع ۱۳. مسجد حیدریه ۱۴. مسجد پنجعلی ۱۵. مسجد پیغمبریه ۱۶. حمام حاج کریم ۱۷. امامزاده اسماعیل
تصویر ۱. بازنمایی بخشی از شهر صفوی قزوین
(مأخذ: ویرت ۱۹۹۷، ۴۶۹)

درباره شواهد دقیق‌تر از این میدان، اگرچه دستیابی به تصویری دقیق از قزوین صفوی هدف پاره‌ای از پژوهش‌ها و مقالات بوده است؛ ولی اختلاف نظرهایی نیز در آن‌ها وجود دارد. به‌عنوان نمونه همان‌طور که در نقشه‌های ارائه شده از شهر صفوی توسط ویرت (ویرت^۸ ۱۹۹۷، ۴۶۹) و مطالعات متأخر مثل اشراقی (۱۳۸۷)، دیزانی (۱۳۹۲) یا نوروز برازجانی و جوادی (۱۳۹۵) دیده می‌شوند؛ در ابعاد کالبدی و حتی مکان‌یابی فضاها اختلاف نظر وجود دارد؛ اگرچه همه آن‌ها در مواردی نیز اشتراک دارند. به‌عنوان نمونه، همان‌طور که در تصویر ۱ دیده می‌شود؛ ویرت میدان اصلی شهر را با شماره ۹ و در بالای کاروانسرای عباسی و در غرب مجموعه باغ‌های سعادت‌آباد نشان داده است. نکته قابل توجه اینکه وی عرض میدان را حدود ۳ تا چهار برابر طول کاروانسرا در نظر گرفته است. این تناسب میدان در مطالعه نوروز برازجانی و جوادی (۱۳۹۵، ۲۰۱) نیز



تغییر شکل یافتند (جیحانی و رجبی ۱۳۹۸، ۴۵). آن گونه که پژوهشگران^{۱۲} اشاره می‌کنند شاه‌طهماسب برای ساختن یک دارالسلطنه، ساخت‌وسازها، مرمت‌ها و برنامه‌های توسعه را مدنظر قرار داد. در این باره امیرشاهی (۲۰۰۱، ۳۶۵-۳۶۰؛ ۱۳۸۶، ۸۳) می‌نویسد ساخت‌وسازها در چهار بخش انجام شده است؛ دو بخش از آنها در درون و دو بخش در بیرون باروی کاخ‌ها. بخش‌های درونی با برج و باروی بلند ساخته شده بود که بسته بر نگاه مردم بود. این بخش‌های درونی که برای استفاده حاکم و دستگاه او ساخته شد؛ دارای دو بخش بود. بخش اول از کاخ‌های دولت‌خانه با دروازه بلند عالی‌قاپو و دیوان‌خانه، کتابخانه، اسطبل‌ها، حرم و دیگر فضاهای معماری تشکیل شده بود؛ و بخش دیگر را انبوه باغ‌های «سعادت‌آباد» با کوشک‌ها و استخرها و آب‌نماها شکل می‌دادند که این نیز با دروازه‌ای بلند ساخته شده بود. این دو فضا همان دولت‌خانه صفوی را تشکیل داده است که در حال حاضر بخشی از بقایای آن در مرکز شهر قزوین موجود است. دو بخش بیرونی، گشاده بر مردم، عبارت بودند از جلوخان عالی‌قاپو، خیابان یا میدان اسب و دیگری میدان سعادت و بازار موجود در نزدیکی آن که مورد استفاده عموم قرار داشتند. بخش بیرونی بخشی است که هم مردم و هم حکومت از وجود آن بهره می‌بردند و بالطبع فضاهایی که در این بخش طراحی شدند؛ از ویژگی فضاهای شهری همچون محصوریت و کاربری‌های عمومی برخوردار بوده است. بر این اساس اگرچه اختلاف نظر در این باره وجود دارد ولی به نظر می‌رسد شهر قزوین دارای دو فضای باز عمومی مطرح و شبیه به میدان بود: «میدان اسب» - که با عنوان خیابان یا جلوخان عالی‌قاپو نیز از آن نام برده شده است - و «میدان سعادت» که میدان اصلی شهر قزوین صفوی بوده است. عناوین متنوعی نیز برای این دو فضا در متون مختلف تاریخی و پژوهش‌ها آمده، ولی در تکمیل آنچه نوروزبrazجانی و جوادی (۱۳۹۵، ۱۸۵) اشاره کرده عناوینی مثل «میدان جدید»، «میدان مجدد»، «میدان دارالسلطنه»، «میدان بزرگ»، «میدان شاهی»، «میدان سعادت‌آباد»، «میدان سنگ (سنگه، زنگه)» که در متون تاریخی و سفرنامه‌های موجود دیده می‌شوند؛ دلالت بر میدان سعادت قزوین به‌عنوان میدان شاهی عصر صفوی داشته که موضوع این مقاله است. باید در نظر داشت به دلیل اطلاعات پراکنده‌ای که از میدان سعادت وجود دارد؛ لازم است اندک اطلاعات موجود، بررسی و با شواهد

دوره معاصر است. پرداختن به موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که بخش ناشناخته‌ای از قزوین صفوی را مورد کنکاش قرار داده است و در نتیجه به شناخت وضعیت میدان اصلی شهر کمک خواهد کرد. میدان سعادت اگرچه اشارات پراکنده‌ای داشته؛ ولی مورد توجه دقیق قرار نگرفته است. قابل تأکید است که بر طبق مطالعه انجام شده توسط جیحانی و رجبی (۱۳۹۸) درباره میدان اسب، این فضا بیشتر جلوخانی برای دولت‌خانه صفوی بوده و علاوه بر قابل توجه بودن این موضوع، نگارندگان مقاله حاضر در تلاش برای بازنمایی میدان اصلی شهر صفوی (میدان سعادت یا سعادت‌آباد) هستند که کاملاً مجزا از فضای جلوخان عالی‌قاپو، خیابان یا میدان اسب است که مورد اشاره پژوهشگران بوده است.^{۱۳}

۳. روش‌شناسی پژوهش

رویکرد کلی این مطالعه کیفی بوده که با توصیف روایی و تشریحی از رخدادها و اشارات موجود سازمان‌دهی شده است. پس از استنتاج و تحلیل متون و اسناد تاریخی، بازخوانی تحولات تاریخی میدان سعادت مدنظر قرار گرفته است. اطلاعات مورد نیاز در مرحله اول با مطالعه متون، اسناد و مدارک تاریخی (شامل سفرنامه سیاحان، متون تاریخ‌نگاران، گزارش‌های موجود و اسناد و نگاره‌های تصویری) و در سطح بعدی با بررسی شواهد معماری موجود در محل جمع‌آوری شده است. پژوهش در کل معطوف به گذشته است که با نگاهی تاریخی تلاش دارد کالبد معماری قدیم را بازشناسی و در جهت کشف و فهم آن اقدام کند. توصیف عینی رویدادها و وقایع در جهت شناخت ویژگی‌های کالبدی و عملکردی میدان سعادت (میدان اصلی قزوین در عصر صفوی) موضوع اصلی پژوهش است. از این رو در جهت دستیابی به اعتبار درونی، تلاش شده تا با مرور توصیفات در چندین منبع و تطبیق آنها با یکدیگر اطلاعات بیشتر و دقیق‌تری از میدان سعادت فراهم شود.

۴. میدان سعادت (سعادت‌آباد) در عصر صفوی

در دوره شاه‌طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ه.ق / ۱۵۷۶-۱۵۲۴ م)، قزوین به‌عنوان پایتخت ایران انتخاب شد. شاه‌طهماسب صفوی در سال (۹۵۳ ه.ق / ۱۵۴۷ م)^{۱۱} به دلایل مختلف پایتخت را به قزوین انتقال داد (طالبی ۱۳۸۶، ۱۲۴-۱۲۲). پس از انتخاب قزوین به‌عنوان پایتخت، ساخت‌وسازهای جدیدی ایجاد شد و همچنین برخی ساخته‌های قدیمی





و اسناد تطبیق داده شوند. آنچه در ادامه ارائه شده تلاش دارد تا ویژگی‌های کالبدی و عملکردی میدان را از دوره شکل‌گیری، اوج و افول منطبق با متون و اسناد موجود معرفی و تشریح نماید.

۴-۱. ویژگی‌های کالبدی میدان

اولین سندی که به‌طور غیرمستقیم به میدان سعادت اشاره کرده؛ وقفنامه آقا جمال وزیر به تاریخ ۹۳۳ ه.ق است. در رونوشت موجود از این وقفنامه^{۱۳} نام چند مکان در قزوین آمده است: اراضی پرسه، اراضی سبزی کار [(حکم آباد پنبه ریشه)]، حمامی در جنب التفاتیه، سرای الشهبیر به خان سعادت [(سرای شاه)] در میدان جدید، محوطه وزیر در جنب خان سعادت، آسیاب فرخ بیک در سرای ارمنی‌ها و چهارسو^{۱۴}. آقا جمال وزیر در ابتدای همین وقفنامه به واگذاری تولید این املاک نیز اشاره کرده و در حال حاضر برخی از این املاک به حرم امام رضا(ع) واگذار شده است. اسناد موجود در آستان قدس رضوی نشان می‌دهد همواره از حمام و کاروانسرای نام برده شده که سال‌ها عایدات آن‌ها برای آستان مقدس هزینه شده و اسنادی مبنی بر تعمیر و اجاره آن‌ها موجود است. در حال حاضر نیز حمام و کاروانسرای با نام رضوی در محدوده بازار قزوین وجود دارند. خان سعادت اشاره شده در وقفنامه همان کاروانسرای شاه (سرای رضوی فعلی) است؛ و بعید نیست حمام اشاره شده در وقفنامه نیز همان حمام رضوی فعلی یا حداقل حمامی در همین محدوده بوده باشد که البته مطمئناً به مرور زمان تغییرات گسترده‌ای در آن انجام گرفته است^{۱۵}. همچنین میدان جدید اشاره شده در وقفنامه که در کنار خان سعادت آمده همان میدان سعادت است؛ در خلاصه التواریخ (قمی ۱۳۸۳، ۴۶۰) نیز به موضوع جدید بودن این محدوده از شهر اشاره شده است^{۱۶}.

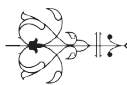
در سال ۱۰۰۶ ه.ق و در زمان شاه‌عباس اول مقدمات انتقال پایتخت به اصفهان فراهم شده است و پس از مدت زمانی که برای احداث شهر شاهی در اصفهان در نظر گرفته می‌شود؛ انتقال پایتخت از قزوین صورت می‌گیرد. انتقال پایتخت به تدریج رونق را نیز از قزوین می‌گیرد. کاهش جمعیت قزوین از زمان پایتختی تا انتقال پایتخت به اصفهان^{۱۷} مؤید این موضوع است. چنانچه این اتفاق با تغییر قدرت سیاسی و انتقال پایتخت همگام شود؛ می‌تواند به معنی کاهش بودجه و هزینه برای نگهداری

ابنیه عمومی نیز باشد. فرسایش و از رونق افتادن میدان سعادت از همان زمان انتقال پایتخت در دوره صفویه شروع و در نتیجه ابنیه عمومی و شاهی پیرامون آن نیز از رونق افتادند.

کامل‌ترین توصیف مربوط به وضعیت کالبدی میدان سعادت مربوط به پیتر دلاواله^{۱۸} ایتالیایی است. وی در زمان شاه‌عباس و سال ۱۰۲۵ ه.ق (۱۶۱۶ م) وارد ایران شد و شش سال در ایران اقامت کرد و در چندین سفر از ملازمان شاه‌عباس بود. وی از نظر زمانی نزدیک‌ترین فردی است که از وضعیت اصیل میدان مطلب نوشته است. دلاواله (۱۳۸۴، ۲۳۳) از مکان قرارگیری میدان در کنار بازار و دور از قصر شاهی نام می‌برد. همچنین اشاره می‌کند هرچند از میدان اصفهان بزرگ‌تر و زیباتر نیست؛ ولی دست‌کمی از آن ندارد و از نظر ابعاد نیز درازای میدان سه برابر پهنایش است. وی توصیفات دیگری از وضعیت میدان، مثل اینکه دو قصر کوچک سلطنتی با ایوان‌های متعدد یکی در این طرف و دیگری در طرف دیگر ساخته شده، ارائه می‌دهد. همچنین به عیب میدان که کوتاهی دیوارهای آن است اشاره می‌کند؛ و می‌نویسد اطراف آن را درخت کاشته‌اند؛ جوی‌های آب در پای آن‌ها روان و دورتادور میدان طارمی چوبی کشیده شده است.

از دیگر متونی که به توصیف وضعیت قزوین صفوی پرداخته، سفرنامه شاردن است که سال‌ها بعد و در زمان شاه‌عباس دوم میدان قزوین را بازدید کرده است^{۱۹}. شاردن اندازه میدان را ۲۵۰ در ۷۰۰ گام نوشته ولی به نظر می‌رسد واحد قدم یا گام (Pas) برای اندازه میدان سعادت صحیح نیست. از طرفی در توصیف دلاواله آمد که «... هرچند [میدان سعادت] از میدان اصفهان بزرگ‌تر و زیباتر نیست...»؛ از طرف دیگر بررسی متن سفرنامه شاردن^{۲۰} و توصیف تطبیقی وی از میدان شاه اصفهان نشان می‌دهد که وی اندازه آن را ۴۴۰ در ۱۶۰ گام (Pas) اشاره کرده است (شاردن ۱۸۱۱، ج ۷، ۳۴۴). اگرچه اندازه اشاره شده با اندازه واقعی میدان شاه اصفهان دارای اختلاف محدودی است^{۲۱}؛ اگر قرار باشد که میدان سعادت به بزرگی میدان شاه اصفهان نباشد؛ پس مطمئناً از آن بزرگ‌تر نخواهد بود. در حالی که اندازه اشاره شده شاردن درباره میدان سعادت (۷۰۰ در ۲۵۰ گام یا Pas) بسیار بزرگ‌تر از میدان شاه اصفهان توصیف شده است (شاردن ۱۸۱۱، ج ۲، ۳۸۸). توصیفات اشتباه شاردن از وضعیت صفوی قزوین مسبوق به سابقه است و احتمال دارد واحد مربوط به میدان





حسین در جنوبی‌ترین نقطه شهر، خیابان یا جلوخان عالی‌قاپو مابین مسجد جامع و باغ‌های شاهی واقع شده‌اند. در این نقشه، دو معبر قابل مشاهده است. یکی راه شمالی جنوبی که به موازات خیابان ترسیم شده است؛ و دیگری معبری که از شمال میدان سعادت به سمت شرق عبور کرده است تا به دولت‌خانه برسد. در تصویر محل تلاقی این دو مسیر، باغ‌های شاهی و دولت‌خانه قرار دارند. علاوه بر موارد ذکر شده، برای پیدا کردن موقعیت دقیق میدان سعادت باید به تمام اطلاعات قابل تفسیر در طرح کمپفر توجه کرد. نکته قابل توجه، موقعیت نقطه مکانی E در بستر شهر قزوین صفوی است که در تصویر مشخص شده است. بنا بر شرح نوشته شده واقع در سمت چپ بالا، این حرف نشان‌دهنده موقعیت میدان سعادت و کاروانسرای شاه است؛ چراکه عنوان Meidan V Karawanserum در نام منتسب به این مکان کاملاً واضح است. در طرح دیگری که از کمپفر موجود است نیز در توضیح نقطه b عبارت Forum, Meidan et Bazar (عمومی، میدان و بازار) آمده است.^{۲۵} اگرچه در دو طرح کمپفر موقعیت مکانی میدان و کاروانسرا در شمال غربی قزوین تقریباً مشخص است؛ ولی از نظر ابعاد کالبدی نمی‌توان به نتیجه دقیقی رسید.

دیگر نکته قابل توجه اینکه تنها دو بدنه از میدان در تصویر قابل مشاهده است؛ و احتمال دارد که در هنگام ترسیم نقشه بخشی از میدان به دلیل افول پایتختی قزوین تخریب شده باشد. یک شاهد بر این موضوع اینکه کورنی لوبرن^{۲۶} که چند سال بعد در سال ۱۱۱۹ ه.ق (۱۷۰۷ م) و در زمان حکومت شاه سلطان حسین صفوی به قزوین آمده بود، درباره میدان می‌نویسد: «میدان ... هیچ چیز شایسته توجه ندارد و مغازه‌ها در نهایت ویرانی‌اند» (برن^{۲۷} ۱۷۱۸، ۴۰۵). این نوشته دوره افول و ویرانی میدان سعادت و دارالسلطنه قزوین را نشان می‌دهد. با تطبیق نقشه‌های شهری جدید با طرح‌های کمپفر و جانمایی عناصر دوره صفوی می‌توان در مرحله اول استنباط کرد که محدوده میدان سعادت در دوره صفوی مابین کاروانسرای شاه و محور رشت^{۲۸} و همچنین در کنار حمام شاه بوده است؛ که فضایی با نسبت یک به سه را به دست می‌دهد و با توصیفات سیاحان از ابعاد میدان سعادت در دوره صفوی نیز همخوان است. از طرفی با توجه به دیگر شواهد موجود - که در ادامه بحث خواهد شد - می‌توان بازنمایی‌ها و احتمالات دیگری نیز از محدوده میدان ارائه

سعادت پا (Foot) بوده باشد که معادل ۰/۳۰۴۸ متر است. بدین ترتیب اندازه کالبدی میدان باید حدود ۲۲۰ در ۸۰ متر باشد که با نظر دلاواله مینی بر سه برابر بودن طول آن نسبت به عرض هماهنگی دارد و نسبت به میدان شاه اصفهان نیز کوچک‌تر است.

علاوه بر این آدام التاریوس^{۲۲} و سرتوماس هربرت^{۲۳} نیز از موقعیت میدان و بازار در کنار آن نام برده‌اند. همچنین در عالم‌آرای عباسی اگرچه اغلب توصیفات عملکردی ارائه شده که در بخش بعد به آن پرداخته خواهد شد؛ ولی در توصیف کالبدی میدان به وجود فضاهایی مثل درگاه دولت‌خانه و خلوت‌خانه دو طبقه زرنگار موسوم به عمارت نو، کاروانسرای عالی و عمارات جهان‌نما واقع در ضلع شرقی و غربی میدان سعادت اشاره شده است (ترکمان ۱۳۹۲، ۱۱۱۱). همچنین با توجه به توصیفی دیگر می‌توان دریافت که در اطراف میدان دکان‌هایی قرار داشته‌اند (ترکمان ۱۳۹۲، ۵۰۰ - ۴۹۹). دیگر سند تاریخی مرتبط، طرح‌های کمپفر^{۲۴} از شهر قزوین در سال ۱۰۹۵ ه.ق (۱۶۸۴ م) و زمان حکومت شاه سلیمان صفوی است. این طرح مرجعی مناسب شناخته می‌شود؛ چراکه تنها نگاره باقیمانده از قزوین صفوی است (تصویر ۳).



تصویر ۳. طرح کمپفر از قزوین در دوره شاه سلیمان صفوی - ۱۶۸۴ م
(مأخذ: کتابخانه بریتیش،

British Library, MSBL Sloane 2923, fols 75v76r)

با تشکر از لیلا قاسمی

طرح کمپفر شهر را به صورتی مدور همراه با فضاهای مهم و نشانه‌های شهری تصویر می‌کند. بقعه شاهزاده



کرد. در مجموع به نظر می‌رسد میدان سعادت از شمال به معبر رشت، شرق به حمام شاه و جنوب به کاروانسرای شاه متصل بوده است.

۴-۲. ویژگی‌های عملکردی میدان

میدان سعادت به‌عنوان میدان شاهی صفوی، دارای ساختار عملکردی است که با تکیه بر منابع و اسناد تاریخی می‌توان شمایی از آن را ارائه کرد. با توجه به بررسی‌های منابع^{۲۹}، از بدو شکل‌گیری میدان سعادت در دوره شاه‌طهماسب، فعالیت‌های گوناگونی در آن جریان داشت. در فضای باز آن جشن‌های بزرگ برپا می‌کردند و بازی‌های چوگان و قهق‌اندازی و نیز سوارکاری برگزار می‌شد؛ علاوه بر این، میدان محل رخدادهای اجتماعی، سیاسی و مجازات‌ها نیز بود^{۳۰}. به‌عنوان نمونه در عالم‌آرای عباسی آمده که در موضوع فرار بایزید به ایران در میدان سعادت قزوین میهمانی برگزار شده و در این مهمانی سطح میدان از فرش‌های گران‌بهای پوشیده شده است (ترکمان ۱۳۹۲، ۱۰۲). میدان سعادت در زمان شاه‌طهماسب از مراکز دیدنی و مهم شهر محسوب می‌گشته؛ و نزد شاه از منزلت خاصی برخوردار بوده است. مکانی برای به رخ کشیدن قدرت و شوکت حکومت هدف از ساخته شدن میدان بود که در کنار برآوردن این هدف، مردم نیز می‌توانستند در محیط آن دادوستد انجام دهند.

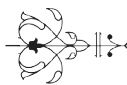
اسکندربیک ترکمان در رخدادهای سال ۱۰۰۳ ه.ق (۱۵۹۴ م) سه سال قبل از آنکه شاه‌عباس، پایتخت را از قزوین به اصفهان منتقل کند؛ به برنامه‌ها و طرح‌های زیباسازی اشاره دارد. از طرف پادشاه برای طربانگیز کردن میدان ضوابطی تعیین شده بود مانند دستور به تزئین دکان‌های پیرامون میدان که در زمان‌های ویژه همچون حضور شاه در میدان انجام می‌گرفت (ترکمان ۱۳۹۲، ۵۰۰-۴۹۹). شاه‌عباس همچنین از مشاهده نزاع‌هایی که خود در میدان سعادت راه می‌انداخته لذت می‌برده است؛ برگزاری نبرد بین حیدریان و نعمتیان^{۳۱} در سال ۱۰۰۳ قمری (۹۷۴ ه.ش) در میدان سعادت یکی از آنهاست (کالمار ۱۹۹۶، ۴۶). گویی میدان سعادت محل اجرای نمایشنامه‌هایی بوده است که شاه‌عباس کارگردانی آن‌ها را بر عهده داشته و با هدف تفریح و پر کردن اوقات فراغت شاه ترتیب داده می‌شد. در مراسم تولد و جشن نیز میدان سعادت مورد استفاده بود. برای مثال در سال ۱۰۰۶ ه.ق (۱۵۹۸ م) که فرزند شاه‌عباس، سلطان محمد، به دنیا آمد، به شکرانه آن جشنی در میدان سعادت ترتیب دادند (ترکمان

۱۳۹۲، ۵۳۲). دلاواله (۱۳۸۴، ۲۳۳-۲۳۴ و ۲۵۷) نیز از تفریح، برگزاری مراسم و حضور شاه و دیدار مردم با وی در میدان نام برده و اشاره می‌کند که معمولاً شاه با چند تن از ندیمان به میدان می‌آید و از مقابل صف حاضران می‌گذرد. فدت افاناس یویچ کاتف^{۳۲} نیز از نمایش‌ها در میدان و وجود انواع خوراکی‌ها در میدان می‌نویسد؛ علاوه بر این وی از برگزاری جشن‌ها و دیگر اتفاقات در میدان نیز یاد می‌کند.

در دوره شاه‌عباس اول و پس از انتقال پایتخت به اصفهان، میدان سعادت محل رفت‌وآمد سفرا و سیاحان اروپایی قرار گرفت. شاه‌عباس حتی پس از آنکه پایتخت به اصفهان منتقل شد از میدان سعادت قزوین برای مراسم خاص استفاده می‌کرد. برگزاری مراسم پذیرایی از سفرای خارجی یکی از دیگر عملکردهای میدان در دوره شاه‌عباس بود. شاه‌عباس نمایندگان دولت عثمانی که برای صلح آمده بودند^{۳۳}؛ و همچنین سفیر اسپانیا و هندوستان و سفرای مسکو را در میدان سعادت پذیرایی کرد و سفرا و نمایندگان دولت‌های خارجی هدایایی را که با خود آورده بودند در این میدان به نظر شاه‌عباس می‌رساندند (ستوده ۱۳۴۸، ۱۷۷-۱۷۸).

درباره عملکرد میدان فیگوئروا^{۳۴} (۱۳۶۳، ۲۶۴-۲۶۱) اشاره می‌کند که شاه‌عباس علاوه بر پذیرایی از سفرای خارجی در میدان سعادت، هر شب خود به این میدان می‌آمد. بزرگان مملکت نیز در آنجا حضور پیدا می‌کردند تا فرصت ملاقات با شاه را یافته باشند و برای آمدن شاه همیشه میدان را چراغانی می‌کردند. پیش از آمدن شاه، میدان محل گردش مردم شهر بود. آدام اولتاریوس که در سال ۱۰۴۶ ه. ق (۱۶۳۷ م) و در زمان شاه صفی نوه شاه‌عباس به ایران سفر کرد، در سفرنامه خود به رونق دادوستد و بازرگانی در دو میدان قزوین اشاره نموده است (اولتاریوس ۱۷۲۷، ۶۶۵-۶۶۶). مقصود وی از «آت میدان^{۳۵}» همان جلوخان عالی‌قاپو یا میدان اسب و منظور از «سنکه میدان^{۳۶}» همان میدان سعادت است^{۳۷}. از دلایل رونق میدان سعادت و آمدوشد مردم به آنجا وجود مراکز دادوستد و بازار است که تا اواسط دوره صفوی با برقرار ماندن ثبات سیاسی، زمینه لازم را برای برقراری روابط تجاری در میدان سعادت فراهم می‌کرد. در اواخر دوره صفویه، به دلیل افول روابط تجاری و اقتصادی و کاهش آمدوشد به بازار، کالبد میدان و بازار نیز فرسوده شد. در مجموع میدان سعادت محل بازی بوده؛ در اطراف آن





۵-۱. استشهدانامه وقف نامه آقا جمال وزیر

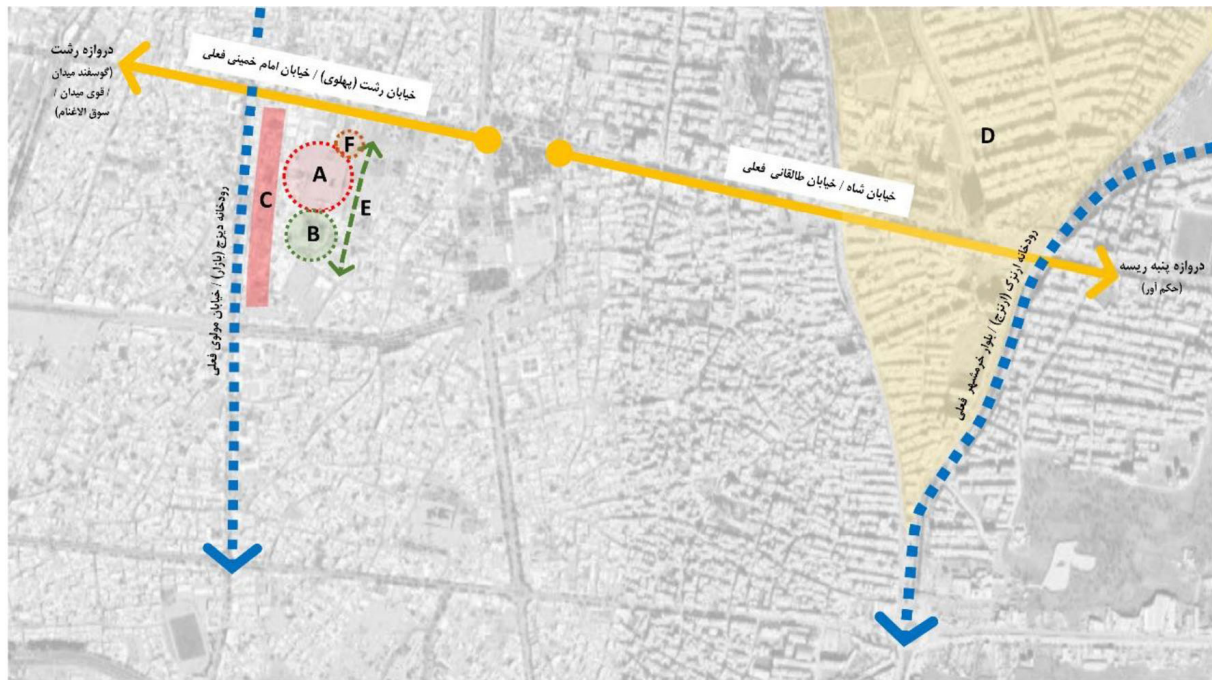
همان‌طور که در بخش صفوی اشاره شد؛ یکی از مهم‌ترین اسناد موجود درباره این محدوده، وقف‌نامه آقا جمال وزیر مربوط به سال ۹۳۳ ه.ق (دوره صفوی) است. در سال‌های بعدتر و در دوره قاجار (سال‌های ۱۲۵۶ و ۱۲۵۷ ه.ق) نیز دو استشهدانامه از نوه وی محمد اسماعیل در ارتباط با همین املاک و وقف‌نامه موجود است که تغییرات محدوده نسبت به اصل آن را می‌تواند نشان دهد: یک استشهدانامه از مردم قزوین (دبیرسیاکی ۱۳۸۱، ۲۹۹)، و یک استشهدانامه از مردم ایران (دبیرسیاکی ۱۳۸۱، ۳۰۱). در استشهداد اول که در سال ۱۲۵۶ و خطاب به سید محمدباقر شفتی نوشته شده است؛ محمد اسماعیل نواده آقا جمال وزیر، به املاک جدش میرزا جمال (خان سعادت، حمام مشهور به حمام شاه، محوطه مشهور به چال وزیر، سبزی‌کار و قنات مشهور به آقا جمالی، یخچال، آسیاب فرخ بیگی، قریه پیرسفیان) (دبیرسیاکی ۱۳۸۱، ۲۹۹-۳۰۱؛ ورجاوند ۱۳۷۷، ۱۵۲۳-۱۵۲۷) اشاره کرده است. علاوه بر این در استشهدانامه از مردم ایران که از سال ۱۲۵۷ ه.ق موجود است؛ اشاره به سرای شاه، حمام، محوطه وزیر، سبزی‌کار همراه با قنات، یخچال، آسیاب فرخ بیگی و قریه پیرسفیان شده است. در این سه سند تاریخی به بخشی از املاک آقا جمال وزیر اشاره شده است که با توجه به محدوده تقریبی میدان سعادت، به نظر می‌رسد بخشی از آن‌ها در محدوده اطراف میدان قرار گرفته‌اند. از بین بناهای نام برده شده در این اسناد، خان سعادت (سرای شاه فعلی)، حمام شاه، محوطه چال وزیر در محدوده تقریبی میدان قرار داشته‌اند. همان‌طور که در بخش صفوی اشاره شد؛ با توجه به بررسی رونوشت اصیل‌تری از وقف‌نامه آقا جمال وزیر مشخص است که حمامی در این حوالی وجود داشته است و بر طبق آن، «حمام در جنب مدرسه التفاتیه» بوده و حدود آن بدین ترتیب است: یک طرف خیابان، یک طرف به بازار پوست‌فروشان، یک طرف به چهارسو و یک طرف به باغ محدود بوده است.

دکان و درخت و جوی آب قرار داشته و مردم برای گرگ بازی، تماشای چوگان و دیدن شاه در آن جمع می‌شده‌اند. این میدان به مناسبت‌های مختلف آذین‌بندی و چراغانی می‌شد؛ و علاوه بر درباریان و میهمانان شاه، عموم مردم نیز در میدان حضور می‌یافته؛ و بنا به دستور شاه در بازی‌ها شرکت می‌کرده‌اند. لذا میدان سعادت فضایی برای ملاقات شاه، درباریان، میهمانان و مردم بوده است. همچنین این میدان یک تفاوت عمده با جلوخان عالی‌قاپو یا میدان اسب دارد؛ و آن اینکه نزدیک بازار است و دادوستد در آن جریان دارد، در مواردی محدود نیز این میدان برای بارعام استفاده شده است. در کل میدان وظیفه میدان اصلی در پایتخت را بر عهده داشته؛ و عرصه نمایش قدرت شاه برای مردم و نمایندگان سایر ممالک بوده است.

۵. میدان سعادت در دوره قاجار و پهلوی

وضعیت میدان سعادت در دوره قاجار با توجه به از رونق افتادن پایتختی قزوین از یک طرف، و همچنین نیاز به فضاهای جدید برای شهر با تغییراتی همراه بوده است. علاوه بر بررسی اسناد تاریخی، یکی از موضوعاتی که می‌توان در این باب مطالعه کرد؛ زمان ساخت بناهای معماری در این دوره و در محدوده نزدیک به میدان خواهد بود. ساخت و سازهای جدید در دوره قاجار و توسعه بازار از مواردی است که در این دوره مورد تأکید قرار گرفت. همچنین در این دوره ساخت‌وساز در کنار و یا بر روی ساخته‌های دوره‌های پیشین، به‌ویژه ساخته‌های دوره صفویه، متداول بوده است. با توجه به جانمایی تصویر شده از میدان سعادت در عصر صفوی (اشاره شده در انتهای بخش ویژگی‌های کالبدی میدان)، محدوده منتسب به میدان سعادت در دوره قاجار تحت اشغال بخشی از ساخت‌وسازهای جدید قرار گرفته است. محدوده تقریبی میدان نشان می‌دهد بناهای شاخص پیرامونی موجود که راهنمای خوبی برای تغییر و تحولات دوره قاجار خواهند بود عبارت‌اند از: مسجد شاه (مسجدالنبی فعلی)، بخش شرقی مجموعه سعدالسلطنه^{۳۸} فعلی (سرای بهشتیان و بخصوص حمام رضوی)، بازار، بازار بزازها، سرای پنبه، سرای سنگی و دروازه گیلان. وضعیت فعلی هرکدام از این بناها، اسناد، کتیبه‌ها و برخی اشارات موجود از آن‌ها که می‌تواند برای میدان سعادت راهگشا باشد؛ بخش قابل توجه از مطالب این قسمت است.





A محوطه یا چال وزیر B خان سعادت (سرای شاه فعلی) C بازار D محدوده سزیکار جمالی (حکم آباد پنبه ریسه) E محدوده احتمالی بازار پوست فروشان (در راستای بازار وزیر فعلی) F محدوده حمام شاه (حمام رضوی فعلی)

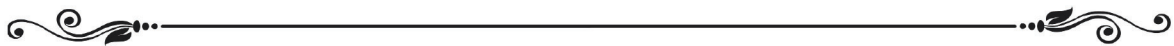
تصویر ۴. محدوده تقریبی برخی املاک ذکر شده در وقفنامه آقا جمال وزیر و استشهادنامه متناسب با آن (مأخذ: نگارندگان)

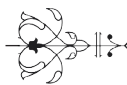
فعلی) نیز در این محوطه بنا شده، اشاره شده است (تصویر ۴).

۵-۲. ساخته‌های دوره قاجار (مسجدالنبی، مجموعه سعدالسلطنه و ...)

پیرو اشاره به ساخت مسجدالنبی در محوطه چال وزیر، تاریخ ساخت و بررسی شواهد کالبدی در این بنا قابل توجه است. قبل از بحث درباره این مسجد ضروری است که اشاره شاردن در سال ۱۰۵۰ هـ.ق (۱۶۷۱ م) درباره قزوین مورد توجه قرار گیرد. اشاره شاردن به مسجد تاریخی در قزوین موضع اختلاف نظر و تعابیر بعضاً اشتباهی قرار گرفته است؛ درحالی که بررسی‌ها نشان می‌دهد حداقل معادل دانستن «مسجد شاه» در سفرنامه شاردن با «مسجدالنبی» به کل بی‌اساس است.^{۴۰} همان‌طور که دبیرسیاقتی (۱۳۸۱، ۶۰۱) نیز اشاره می‌کند؛ مسجدالنبی را فتحعلی شاه قاجار در محوطه وزیر یا چال وزیر بنا کرده و در نتیجه این مسجد در زمان سفر شاردن (شاه‌عباس دوم) وجود نداشته است؛ که وی در سفرنامه از آن یاد کند. علاوه بر این بر طبق کتیبه‌های موجود در آن، این مسجد توسط فتحعلی

با توجه به اینکه بازار پوست‌فروشان طبق استدلال‌های مجابی (۱۳۸۸، ۲۴۵) در محدوده مسجدالنبی و طبق نظر نوروز برازجانی و جوادی (۱۳۹۵، ۲۰۰) در محدوده سرای سعیدیه امروزی (بازار وزیر سعدالسلطنه) قرار داشته است؛ احتمال اینکه این حمام همان حمام رضوی فعلی باشد وجود دارد؛ اگرچه مجاورت با مدرسه التفاتیه و از طرفی اشاره به چهارسو^{۳۹} قابل بحث است. باید در نظر داشت با فرض عدم ساخت مجموعه سعدالسلطنه در آن زمان، محدوده جلوی حمام احتمالاً باز بوده است و نام بردن از مجاورت شاید به این دلیل باشد. همچنین در اصل وقفنامه اشاره شده که سرای شهیر به «خان سعادت» در «میدان جدید» (میدان سعادت ذکرشده در این پژوهش) واقع شده و محدوده پیرامونی آن از دو طرف به خیابان، یک طرف بازار پوست‌فروشان و طرف دیگر خانه استاد رحیم پاره‌دوز منتهی بوده است. این اشاره وجود بازار پوست‌فروشان در نزدیکی این بنا را نیز تأیید می‌کند. در اصل وقفنامه نامی از محوطه وزیر آمده است؛ درحالی که در استشهادنامه مردم قزوین، علاوه بر اشاره به محوطه چال وزیر، به اینکه مسجد شاه (مسجدالنبی





بخش شمال شرقی مسجدالنبی (سرای پنبه و سرای سنگی) در دوره قاجار را نیز مدنظر داشت.

۳-۵. نقشه‌ها، بازار و میدان مال‌فروش‌ها (سعادت)

بررسی اسناد مرتبط با میدان سعادت فضاهای دیگری را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. دبیرسیاقی (۱۳۸۱، ۳۴۲) در ذکر دروازه‌های شهر قزوین به دروازه قوی میدان^{۴۳} که تعمیر شده و از این دروازه به طرف رشت می‌روند؛ اشاره کرده است. حسام‌السلطنه نیز در سفرنامه مکه (۱۲۹۸ ه.ق) در این باره اشاره می‌کند که این دروازه از این جهت به این نام خوانده شده است که غالباً اغنام را در بیرون این دروازه به فروش می‌رسانند (دبیر سیاقی ۱۳۸۱، ۳۲۳). باید در نظر داشت که غیر از این، میدانی تحت عنوان مال‌فروش‌ها در محدوده بازار وجود داشته است. گلریز (۱۳۳۷، ۵۹۶) در توضیح مسجد حاج سید علی اشاره می‌کند که این مسجد در اول زرگره کوچه (کوچه زرگرها فعلی)، روبروی میدان مال‌فروش‌ها (میدان سعادت) و در جانب شمالی خیابان پهلوی (امام خمینی فعلی) واقع است.

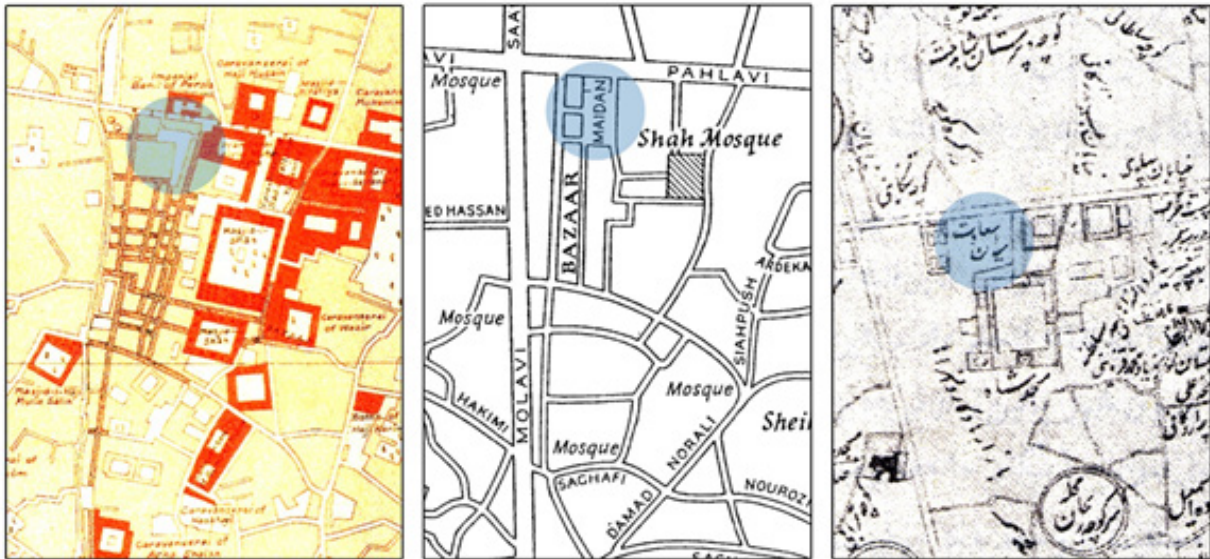
مجبای (۱۳۸۸، ۲۴۵) نیز میدان مال‌فروش‌ها را با میدان سعادت معادل دانسته است؛ و البته اشاره می‌کند که این میدان تغییر شکل پیدا کرده است. محل این میدان در نقشه‌های موجود از قزوین نیز قابل مشاهده است. در نقشه ترسیم شده در بازه ۱۹۵۴-۱۹۵۸ م از قزوین (استیونز^{۴۳} ۱۹۷۹، ۱۳۸) تحت عنوان میدان (تصویر ۵-ب)، در نقشه ۱۹۹۱ م (علائی^{۴۴} ۲۰۱۰، ۳۲۶) محدوده آن قابل تشخیص (تصویر ۵-ج)، و در نقشه تهیه شده از عکس هوایی ۱۳۳۵ (گلریز ۱۳۳۷، ۲۸۷) نیز نام میدان سعادت در کنار این فضا آمده است (تصویر ۵-الف). همچنین این میدان در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ قزوین در کنار محور رشت و بازار قابل مشاهده است (تصویر ۶). این موضوع می‌تواند نشان دهد احتمالاً بعد از دخل و تصرفات بخشی از فضای میدان سعادت در دوره قاجار به میدانی تحت عنوان میدان مال‌فروش‌ها اختصاص پیدا کرده است. در متون قبل از دوره قاجار از میدان مال‌فروش‌ها مطلبی نیامده است. دروازه رشت نیز سابقاً در انتهای مسیر گذری با نام خیابان پهلوی قرار گرفته که از سبزه‌میدان آغاز و از کنار میدان مال‌فروش‌ها می‌گذشته است (تصویر ۴).

شاه احداث شد^{۴۱} (دبیرسیاقی ۱۳۸۳، ۳۹۷). در نتیجه، قطعاً در دوره صفوی این مسجد در این محدوده وجود نداشته است.

علاوه بر مسجدالنبی مجموعه سعدالسلطنه نیز قابل توجه است. بانی این سرا آقا باقر سعدالسلطنه اصفهانی است که در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه فرماندار قزوین بوده است. گلریز (۱۳۳۷، ۳۳۰-۳۲۷) درباره این مجموعه علاوه بر اشاره به کتیبه موجود در این بنا، درباره نام مجموعه که با نام سرای سعادت یا سعیدیه یاد شده، اشاره می‌کند که بعضی حدس می‌زنند قسمتی از بناهای امروزی در این محدوده در قدیم جایگاه باغ معروف سعادت‌آباد بوده که شاه‌طهماسب و جانشینان او احداث کرده بودند. علاوه بر این دبیر سیاقی (۱۳۸۳، ۴۷۸) نیز احتمال می‌دهد که نام این مجموعه از قرارگیری آن در محل میدان سعادت دوران صفوی باشد. گلریز (۱۳۳۷، ۳۳۰-۳۲۷) در این باره اشاره می‌کند که اراضی محدوده مجموعه سعدالسلطنه بعد از صفوی تبدیل به خاکروبه‌ها و محل اجتماع و فساد دسته‌های اراذل و اوباش بوده است؛ و سعدالسلطنه خاکروبه‌ها و کثافات را به حکموارچی‌ها فروخت تا به مصرف کود سبزی‌کاری برسانند و سپس آنجا را صاف کرده و طرح سرای سعادت (مجموعه سعدالسلطنه) را ریخت.

ورجاوند (۱۳۷۸، ۲۲۹) نیز در این باره اشاره می‌کند بزرگ‌ترین دگرگونی در مجموعه صفوی در دوران ناصرالدین‌شاه و حکمرانی سعدالسلطنه روی می‌دهد که در محل بخش عمده‌ای از میدان شاه و باغ سعادت‌آباد، ساختن مجموعه گسترده‌سراها، تیمچه‌ها، قیصریه و کاروانسراهای سعدالسلطنه و وزیر آغاز می‌شود. با توجه به این برداشت‌ها درباره محدوده تقریبی میدان در عصر صفوی، از یک طرف کل ساختارهای مجموعه و از طرفی آثار موجود در بخش شرقی مجموعه سعدالسلطنه می‌توانند مورد توجه بیشتر باشند. برخی معتقدند ساختارهای معماری مجموعه به ویژه در بخش شرقی، می‌تواند در محدوده میدان سعادت قدیم شکل گرفته باشند. از طرفی با توجه به اینکه به نظر می‌رسد حمام رضوی (حمام شاهی) و یا حداقل حمامی در این محدوده پیش از ساخت مجموعه سعدالسلطنه وجود داشته شاید هیچ ارتباطی بین بخش شرقی مجموعه و میدان سعادت وجود نداشته باشد. علاوه بر این باید ساخت دو سرا در





الف) دوره پهلوی (مأخذ: گلریز ۱۳۳۷، ۲۸۷) ب) دوره پهلوی ۱۹۵۸-۱۹۵۴ (مأخذ: استیونز ۱۹۷۹، ۱۳۸) ج) دوره قاجار ۱۹۱۹ (مأخذ: علائی ۲۰۱۰، ۳۲۶)

تصویر ۵. نقشه‌های موجود مربوط به دوره قاجار و پهلوی در محدوده میدان سعادت قزوین (مأخذ: نگارندگان)

میدان مال‌فروش‌ها را بعنوان بخشی از میدان قدیم و محل حمام شاه را حدوداً معادل با محدوده حمام رضوی فعلی دانست (تصویر ۶)

با بررسی گروهی از نشانه‌ها و شواهد دوره قاجار و پهلوی سیر تاریخی تحولات و اتفاقات در محدوده میدان قابل تشخیص است. همان‌طور که در این بخش مشخص شد؛ تقریباً فضای میدان در این محدوده با ساخت‌وسازهای این دوره پر شده‌اند. از احداث مسجدالنبی گرفته تا ساخت کاروانسرای سنگی و کاروانسرای پنبه و همچنین توسعه بازار که در نهایت با باقی ماندن بخش کوچکی تحت عناوین میدان، میدان مال‌فروش‌ها و حتی میدان سعادت در دوره‌های بعدتر قابل تشخیص بودند. در ادامه با جمع‌بندی مجموع بررسی‌های انجام شده تلاش شده است حداقل احتمالات مربوط به محدوده میدان سعادت نیز مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

علاوه بر بررسی نقشه‌ها و شواهد موجود، عکس هوایی دهه ۳۰ از قزوین نزدیک‌ترین تصویر موجود است که می‌توان درباره محدوده میدان مورد مطالعه قرار داد. در تصویر ۶ آثار موجود در محدوده با دو رنگ متفاوت آمده است. رنگ قرمز آثار دوره صفوی و بخش‌های آبی رنگ آثار مربوط به دوره قاجار را نشان می‌دهند. موضوع قابل تشخیص این‌که در محدوده بزرگی در شمال کاروانسرای شاه و بازار قیصریه فعلی، خیابان مولوی در غرب، خیابان پیغمبریه در شرق و خیابان امام خمینی در شمال تنها بنا یا مکان احتمالی صفوی حمام شاه یا حمام رضوی است. این موضوع مؤید این مطلب است که احتمال دخل و تصرف و از بین رفتن ساختارهای معماری قبلی وجود دارد. با توجه به تصویر ۶ ساخته‌های دوره صفوی پیرامون میدان سعادت که تا سال ۱۳۳۵ باقی مانده عبارت‌اند از کاروانسرای شاه در جنوب مسجدالنبی و محور رشت که از شمال میدان عبور می‌کرد. همچنین در سطح بعد می‌توان





- | | | | | | | |
|------------------|-------------------|---------------------|-----------------------|------------------|-------------------|------------------------------|
| ۱ کاروانسرای شاه | ۴ حمام شاه (رضوی) | ۷ مدرسه التفتیه | ۱۰ کاروانسرای وزیر | ۱۳ مدرسه صالحیه | ۱۶ تیمچه سرباز | ۱۹ بیغمبریه |
| ۲ بازار قیصریه | ۵ سرای پنبه | ۸ مجموعه سعدالسلطنه | ۱۱ مسجد سیدعلی | ۱۴ محور رشت | ۱۷ سردر عالی قابو | ۲۰ چهلستون |
| ۳ مسجد النبی | ۶ سرای سنگی | ۹ سرای بهشتیان | ۱۲ کاروانسرای حاج رضا | ۱۵ مسجد پنجه علی | ۱۸ مدرسه حیدریه | ۲۱ میدان مال فروش‌ها (سعادت) |

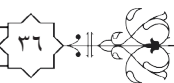
تصویر ۶ عناصر پیرامون محدوده میدان سعادت و وجود آنها در دو دوره صفوی و قاجار در عکس هوایی ۱۳۳۵ (مأخذ: نگارندگان)

۶. بحث و تحلیل

میدان سعادت و شواهد اسنادی و کالبدی آن موضوع این مطالعه بوده است. قرارگیری همه شواهد در کنار هم حداقل می‌تواند علاوه بر تاریخچه، سیر تاریخی و توصیفاتی که از میدان سعادت ارائه شد؛ به تشخیص محدوده‌های احتمالی میدان نیز کمک کند. باید در نظر داشت که قبلاً نیز توسط پژوهشگران محدوده‌هایی برای میدان مورد اشاره بوده که با وجود اختلافات محدود، هر کدام با کاستی‌هایی نیز همراه بوده است که در بخش پیشینه به برخی از آن‌ها پرداخته شد. همچنین اگرچه که تمام تلاش در جهت دستیابی و تکمیل و تدقیق شواهد انجام شده است؛ ولی مطمئناً هر سند تاریخی جدید و یا شواهد، ممکن است در تکمیل و تدقیق تر کردن بررسی‌ها کمک‌کننده باشد. در این راستا یکی از این نشانه‌های دیگر، شواهد کالبدی باقیمانده در حال حاضر خواهند بود که ساختار کلی ادامه بحث را شکل داده‌اند. درباره شواهد کالبدی موجود، بازار و اطراف کاروانسرای

شاه و قیصریه می‌توانند کمک‌کننده باشند. یکی از این نشانه‌های قابل‌اعتنا، کشیدگی ورودی اصلی کاروانسرای شاه است. ورودی غربی این کاروانسرا با یک کشیدگی به راسته بازار متصل شده است. این کشیدگی ورودی، دقیقاً تا راستای چهارسوق کوچک بازار (چهارسوق غربی راسته قیصریه) پیش رفته است (تصویر ۷ - الف). هیچ شکی در صفوی بودن کاروانسرای شاه وجود ندارد؛ اما درباره راسته‌ی قیصریه در حالیکه فرم معماری، آن را بسیار نزدیک به یک فضای صفوی نشان می‌دهد؛ با استناد بر کتیبه آن و همچنین بررسی دقیق پلان و اتصال آن با کاروانسرای شاهی، قاجاری بودن آن مشخص است (پرهیزکاری ۱۳۹۷، ۹۹). با این وجود اگرچه کالبد فعلی چهارسوق کوچک بازار می‌تواند غیر از صفوی باشد؛ ولی محل این فضا نشانه‌ای از دوره صفوی و یا حداقل نشان‌دهنده یک نقطه برای وجود یک محور کلیدی است. با این توصیف در کنار محور بازار قیصریه (محور ۱-۱ در تصویر ۷-ب) باید این راستا را نیز یک راستا یا





نشان می‌دهد که همگی بعد از دوره صفوی ایجاد شده و شاید در فضا و محدوده میدان صفوی شکل گرفته باشند (تصویر ۶). همچنین علاوه بر محور بازار قیصریه، کشیدگی ورودی غربی سرای شاه و اتصال آن به یک محور شاخص می‌تواند نشانه‌ای برای کالبد صفوی این محدوده باشد. از این رو می‌توان بخشی از بدنه میدان سعادت را با این راستا نیز معادل دانست. ابعاد تقریبی میدان نیز می‌تواند به‌عنوان راهنما مدنظر باشد. همان‌طور که اشاره شد؛ احتمالاً میدان حدود ۸۰ در ۲۲۰ متر است که این ابعاد می‌تواند با محدوده میدان تطبیق پیدا کند.

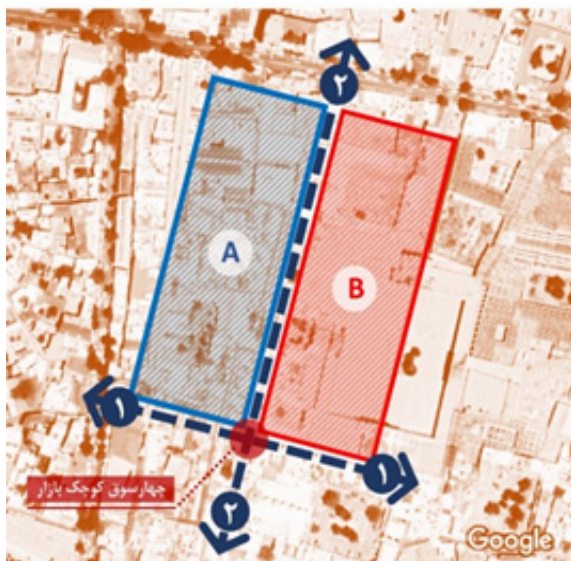
محور مهم صفوی در نظر گرفت (محور ۲-۲ در تصویر ۷ ب). با توجه به این موضوع، جدول ۱ مجموع نشانه‌های مطالعه شده در این مقاله را به‌طور خلاصه در کنار هم ارائه کرده است. با تکیه بر مجموع موارد اشاره شده در قالب جدول ۱، دو احتمال را می‌توان در باب محدوده تقریبی میدان مورد توجه قرار داد. پیش‌از این لازم به ذکر است که محل وجود میدان -با در نظر گرفتن حمامی در مکان حمام شاه- می‌تواند محدوده‌ای بین حمام رضوی تا خیابان مولوی و احتمالاً بر روی برخی سراها، بازار قزوین و بخشی از مسجidalنبی باشد. بررسی شواهد مربوط به این محدوده

جدول ۱. جمع‌بندی نشانه‌ها و شواهد اشاره شده مرتبط با میدان سعادت (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	مرجع مورد نظر	دوره	شرح و نتیجه مرتبط	تطابق با محل احتمالی میدان
۱	وقف‌نامه آقا جمال وزیر	صفوی	اشاره به میدان جدید، نام بردن از بناهای صفوی در محدوده میدان (خان سعادت، محوطه وزیر، حمام شاه، و...)	
۲	اسناد آستان قدس رضوی	قاجار	اشاره به دو بنای کاروانسرا و حمام شاه وقفی آستان قدس رضوی در قزوین	
۳	توصیفات دلاواله	صفوی	قرارگیری میدان در کنار بازار و دور از قصر شاهی، سه برابری درازای میدان نسبت به پهنایش، وجود دو قصر در دو طرف میدان، کوتاهی دیوارها، درختکاری اطراف، جوی آب و طارمی چوبی، و...	
۴	توصیفات شاردن	صفوی	میدان شاهی، اشاره به اندازه میدان، شبیه به میدان شاه اصفهان	
۵	طرح‌های کمپفر از قزوین صفوی	صفوی	اشاره به میدان و کاروانسرا در شمال غربی شهر صفوی، اشاره به میدان و بازار در کنار هم، وجود معبری در شمال میدان	A, B
۶	استشهادنامه‌های وقف‌نامه آقا جمال وزیر	قاجار	نام بردن از بناهای جدش (خان سعادت یا سرای شاه، محوطه وزیر یا چال وزیر، حمام یا حمام شاه، و...)، ساخت مسجidalنبی در محوطه چال وزیر	
۷	توصیفات و نقشه‌های دوره قاجار و پهلوی	قاجار / پهلوی	اشاره به دروازه قوی میدان، ساخت و ایجاد کاروانسرای سنگی و سرای پنبه	
۸	عکس هوایی دهه ۳۰	پهلوی	پراکندگی آثار تاریخی دوره صفوی و قاجار در محدوده میدان	
۹		قاجار	کالبد معماری مسجidalنبی و ساخت آن در دوره قاجار	
۱۰	نشانه‌های کالبدی	صفوی / قاجار	کشیدگی ورودی غربی سرای شاه و هم‌راستایی با چهارسوق کوچک بازار (چهارسوق غربی قیصریه)، وجود معماری اصیل‌تر بازار در راسته بزازها	
۱۱		قاجار	اختلاف ارتفاع کف در محدوده مسجidalنبی، کاروانسرای شاه، سرای سنگی، سرای پنبه و سراها در شرق راسته بزازها	B
۱۲	توصیفات و نقشه‌های دوره قاجار، پهلوی و شواهد حال حاضر	قاجار / پهلوی	توصیفات موجود از میدان مال‌فروش‌ها و میدان سعادت / محدوده میدان مال‌فروش‌ها (سعادت) و تغییرات آن در عکس‌های هوایی / نام‌گذاری سرای سعادت یا سعدیه و بناهای محدوده آن	A



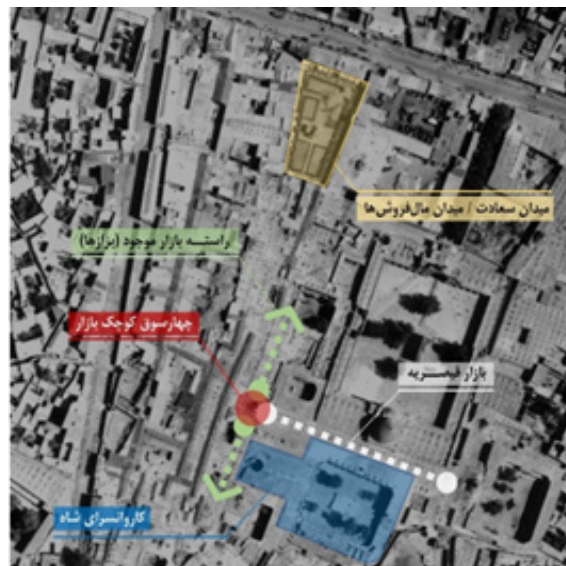
موضوع می‌تواند عدم وجود هیچ نظمی در ساختار کلی بازار قزوین باشد. ساختار این بازار کاملاً نشان می‌دهد که طراحی شده نبوده و به‌صورت ارگانیک و بدون طرح و نقشه شکل گرفته است.^{۴۶} جز چند راسته کلیدی در این بازار بقیه مغازه‌ها به‌صورت نامنظم در کنار هم وجود دارند. با تکیه بر همین محورهای کلیدی، احتمال دوم که به آن اشاره شده با کد A در تصویر ۷-ب ارائه شده است. این مکان در حال حاضر بازار قزوین است و نگارندگان تطبیق این محدوده را با محل اصلی میدان سعادت محتمل می‌دانند. نشانه‌ها و شواهد مرتبط با این موضوع نیز در جدول ۱ ارائه شده است. باید توجه داشت که قطعیت این احتمال علاوه بر مطالعات گسترده‌تر و دستیابی به اسناد و شواهد جدید، ضرورت مطالعات باستان‌شناسی در محل را گوشزد خواهد کرد که مطمئناً در این مطالعه نمی‌گنجد.



ب) محورهای اصلی و محل‌های احتمالی میدان، عکس هوایی ۱۳۹۹ (ب) محورهای اصلی و محل‌های احتمالی میدان سعادت (مأخذ: نگارندگان)

شده است. علاوه بر توجه جدی که در بخش مربوط به صفوی انجام و دقت نظر در بُعد کالبدی و عملکردی میدان را هدف قرار داده است؛ در بخش دوم (قاجار و پهلوی) تلاش شده علاوه بر شواهد و توصیفات متفاوت از میدان، بیشتر سیر تحولات و اتفاقات میدان مرور شوند. با کنار هم قرار دادن مجموع بررسی‌های انجام‌شده در بخش انتهایی نیز موضوع موقعیت مکانی میدان با تکیه

با این مقدمه احتمال اول اینکه میدان می‌تواند بخشی از فضای مسجدالنبی، سرای سنگی، سرای پنبه و بخشی از توسعه بازار قزوین را در برگیرد که مربوط به دوره قاجار است. اشاره به نام سنکه میدان در متون تاریخی بی‌مناسبت با این احتمال نیست. با توجه به ابعاد تقریبی میدان، این محدوده با کد B در تصویر ۷-ب ارائه شده است. دیگر نشانه باقی‌مانده که احتمال دوم را هدف قرار داده است، میدان مال‌فروش‌ها یا میدان سعادت در دوره قاجار و پهلوی است که می‌تواند بخشی از میدان اصیل سعادت باشد. توسعه و رونق بازار در مجاورت میدان و حتی وجود دست‌فروشان در داخل محدوده میدان، درحالی‌که فضای باز میدان دیگر کارکرد اصیل خود را نداشته و متروکه بوده به‌تدریج می‌تواند باعث دخل و تصرف و ساخت‌وسازهایی در آن شده باشد.^{۴۵} علاوه بر اشارات تاریخی بر وجود دست‌فروشان در میدان، گواه این



الف) نشانه‌های دوره صفوی در محدوده میدان، عکس هوایی ۱۳۳۵ تصویر ۷. نشانه‌های موجود، محورهای اصلی صفوی و محل‌های احتمالی میدان سعادت (مأخذ: نگارندگان)

۷. جمع‌بندی

بررسی متون، اسناد و شواهد مرتبط با میدان سعادت یا میدان نو در قالب یک سیر تاریخی از صفوی تا امروز از نظر گذشت. مطالعات نشان می‌دهد این میدان اگرچه از ساخته‌های قبل از شاه‌پهماسب است؛ ولی به‌عنوان میدانی جدید و از ساخت‌وسازهای جدید صفوی در قزوین بوده که در راستای توسعه پایتخت صفوی تجدید بنا



و بُعد عمومی آن پررنگ‌تر شده است. همین موجب شده که میدان به تدریج تبدیل به فضایی برای دست‌فروشان و ارائه اجناس توسط آن‌ها شود و فعالیت‌های حکومتی آن روز به روز کم‌رنگ‌تر شوند. این ساخت‌وسازها تا جایی پیش می‌رود که تنها بخش بسیار کوچکی از میدان تحت عنوان میدان مال‌فروش‌ها و یا میدان سعادت در قسمت شمالی از میدان بزرگ سعادت باقی می‌ماند. عدم وجود نظم ساختاری در بازار قزوین می‌تواند یک دلیل مهم برای این دخل و تصرف و توسعه بازار در میدان سعادت باشد. اگرچه دخل و تصرف در این محدوده بسیار گسترده بوده و احتمالاً بخش زیادی از نشانه‌های کالبدی از بین رفته‌اند ولی مطمئناً با یک مطالعه منسجم در کنار گمانه‌زنی‌ها می‌توان قطعیت‌های بیشتری حداقل برای موقعیت مکانی میدان ارائه کرد.

بر محورهای کلیدی موجود و شواهد آن‌ها هدف قرار گرفته و در قالب دو احتمال ارائه شده است. با تکیه بر بررسی‌های انجام‌شده و در جهت پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده در ابتدای مقاله، باید در نظر داشت که ویژگی‌های ساختاری-کالبدی میدان سعادت به‌عنوان یک فضای شهری در دوره صفوی را می‌توان در برخی موارد مشابه میدان نقش‌جهان اصفهان دانست در حالی که علی‌الخصوص از نظر ابعاد، میدان سعادت کوچک‌تر بوده است. همچنین توصیفات دلاواله درباره آن بخش مهمی از ویژگی‌های کالبدی آن را تصویر کرده است. این میدان -که با نام سنکه میدان نیز اشاره شده- محل نشان دادن قدرت شاه از یک طرف، و محل بازار عمومی شهر از طرف دیگر بوده است؛ طوری که از بازار و دست‌فروشی در آن یاد شده است. پس از انتقال پایتختی به اصفهان به تدریج بُعد نشان دادن قدرت شاهی در میدان کم‌رنگ،

پی‌نوشت

۱. برای اطلاعات بیشتر در این باره نگاه کنید به (دیزانی ۱۳۹۳)
۲. برای اطلاعات بیشتر در این باره نگاه کنید به (حناچی و نژادابراهیمی ۱۳۸۵)
۳. برای اطلاعات بیشتر در این باره نگاه کنید به (شهابی‌نژاد ۱۳۹۸)
۴. مطالعات پژوهشگرانی مثل بابایی، عالمی، مجابی، نوروز برازجانی و جوادی، دیزانی، جیحانی، و... نمونه‌هایی از این مطالعات هستند.
۵. Amirshahi
۶. برای اطلاعات بیشتر در این باره نگاه کنید به (نوروز برازجانی و جوادی ۱۳۹۵؛ جیحانی و رجبی ۱۳۹۸)
۷. برای نمونه‌ای از این موارد نگاه کنید به (امیرشاهی ۱۳۹۶؛ جیحانی و رجبی ۱۳۹۸؛ رضایی‌پور و همکاران ۱۳۹۶؛ شهابی‌نژاد و جعفری ۱۳۹۵؛ دبیرسیاقتی ۱۳۸۳)
۸. Wirth
۹. برای نمونه نگاه کنید به (Szippe ۱۹۹۶، ۱۴۹-۱۴۸)
۱۰. با توجه به اختلاف نظر درباره میدان اسب، خیابان یا جلوخان عالی‌قاپو و توصیفات و برداشت‌های متفاوت از مکان و ویژگی‌های آن در مطالعات پژوهشگرانی مثل دبیرسیاقتی (۱۳۸۱)، مجابی (۱۳۸۸)، نوروز برازجانی و جوادی (۱۳۹۵)، امیرشاهی (۱۳۹۶)، و همچنین جیحانی و رجبی (۱۳۹۸)، تلاش شده اشارات مربوط به این فضا در کل متن با عنوان «جلوخان عالی قاپو یا میدان اسب» مورد اشاره قرار گیرد؛ اگرچه به نظر می‌رسد فضای روبروی عالی‌قاپو بیشتر جلوخانی برای دولت‌خانه بوده است.
۱۱. در سفرنامه جکسون اشاره شده که قزوین از سال ۹۵۵ تا ۱۰۰۰ رسماً پایتخت بوده است که به نظر اشتباه باشد (جکسون ۱۳۵۷، ۵۰۰).
۱۲. به‌عنوان نمونه نگاه کنید به (عالمی ۱۳۸۷، ۴۹؛ جیحانی ۱۳۹۶، ۴۶)
۱۳. این بررسی با رؤیت متن اصلی از رونوشت وقف نامه (متعلق به دوره پهلوی) توسط نویسنده اول و در شهریورماه ۱۳۹۹ انجام شده که در آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه کشور موجود است. در نتیجه مطالب ذکر شده با استناد به رؤیت کامل و دقیق این رونوشت و تطبیق مطالب آن‌ها با مطالب موجود در کتب ورجاوند (۱۳۷۷، ۱۸۰۶-۱۸۰۸) و دبیرسیاقتی (۱۳۸۱، ۱۱۱-۱۱۰) ارائه شده است.
۱۴. لازم به ذکر است ورجاوند (۱۳۷۷، ۱۸۰۶-۱۸۰۸) در اشاره به این وقف‌نامه اشاره به حماسی در جنب التفاتیبه را از قلم انداخته؛ و دبیرسیاقتی (۱۳۸۱، ۱۱۱-۱۱۰) نیز به محوطه وزیر اشاره نکرده است، اگرچه از حماس جنب مدرسه التفاتیبه نام برده است.
۱۵. کالبد فعلی حمام رضوی و شواهد موجود در آن نشانه‌های کاملاً قاجاری دارد. در این باره نگاه کنید به (گلریز ۱۳۳۷، ۳۲۶)
۱۶. در متن خلاصه‌التواریخ آمده است: «... شاه جمجاه بدین مژده دلخواه امر فرمود که شهر و بازار نو را که در میدان سعادت مجدداً [جدیداً، با تازگی] احداث یافته بود آیین بسته در دوشنبه بیستم شهر شعبان سنه مزبور (۹۶۸ هـ) ... ایلچی را به اعزاز تمام به شهر آوردند ...»





۱۷. پس از انتخاب قزوین به‌عنوان پایتخت، جمعیت آن به حدود ۳۵۰ هزار نفر رسید و تعداد مساجد آن از ۵۰۰ عدد متجاوز بود (ستوده ۱۳۴۸، ۴۷). پس از انتقال پایتخت به اصفهان جمعیت شهر قزوین رو به کاهش گذاشت، چنانکه در زمان سفر سرتوماس هربرت (Sir Thomas Herbert) در سال ۱۰۳۷ ه.ق (۱۶۲۸ م) قزوین ۲۰۰ هزار نفر جمعیت داشته و شاردن در حدود سال‌های ۱۰۷۵ ه.ق (۱۶۶۴ م) تا ۱۰۸۴ ه.ق (۱۶۷۳ م)، جمعیت این شهر را ۱۰۰ هزار نفر نوشته است (شاردن ۱۹۸۸، ۵۰۶).

Pietro Della Velle ۱۸

۱۹. در این سفرنامه اگرچه درباره قزوین صفوی بحث شده است؛ ولی به‌طور مستقیم نامی از میدان سعادت نیامده و توصیفات تحت عنوان «میدان شاهی» (maydan-cha / merdán-châh) آمده‌اند. با توجه به تطبیق تقریبی توصیفات شاردن با توصیفات دل‌واله، به نظر می‌رسد که منظور همان میدان سعادت است.

Chardin ۲۰

۲۱. با این توصیف اندازه میدان شاه حدود ۱۰۵ در ۳۳۰ متر خواهد بود که با اندازه واقعی کالبد آن در زمان شاردن (حدود ۵۲۰ در ۱۶۰ متر) اختلاف توصیف شاردن ملموس است. البته اگر اندازه حدودی گام را برابر ۱ متر در نظر بگیریم؛ این اختلاف تنها حدود ۶۰ متر در طول میدان خواهد بود.

Adam Olearius ۲۲

Sir Thomas Herbert ۲۳

Engelbert Kaempfer ۲۴

۲۵. برای توضیحات بیشتر درباره این نگاره نگاه کنید به (نوروز برازجانی و جوادی ۱۳۹۵، ۱۵۲-۱۳۶)

Cornelis de Bruijn / Cornelius de Bruyn ۲۶

Brun ۲۷

۲۸. معبری که از ضلع شمالی میدان سعادت عبور می‌کرد و به باغ سعادت می‌رسید و در نقشه کمپفر نیز ترسیم شده است. این معبر جاده شوسه‌ای بود که از شهر می‌گذشت. وجه تسمیه معبر از آن جهت است که محل حرکت به سمت شهر رشت بوده است.

۲۹. منابع متنوعی از عملکردهای موجود در میدان سعادت نام برده‌اند؛ ولی توصیفات کامل‌تر مرتبط با این میدان، به ترتیب زمان پنج منبع خلاصه التواریخ (شاه اسماعیل اول تا شاه اسماعیل دوم)، سفرنامه پیترو دل‌واله (شاه‌عباس اول)، سفرنامه کاتف (شاه‌عباس اول)، عالم‌آرای عباسی (شاه‌عباس اول) و سفرنامه آدام التاروس (شاه صفی و شاه‌عباس دوم) است که در این مطالعه بررسی شده‌اند.

۳۰. نگاه کنید به (ترکمان ۱۳۹۲، ۶۸۶)

۳۱. حیدریان و نعمتیان، نام دو دسته رقیب است که در عهد صفوی و قاجار در بیشتر شهرهای ایران منازعات مستمر و شدیدی داشتند.

Fedot Afanas Yevic Katof ۳۲

۳۳. در این باره نگاه کنید به (دل‌واله ۱۳۸۴، ۲۴۱-۲۴۲)

Don Garcia de Silva Figueroa (Maidan) ۳۴

۳۵. ۱۷۲۷, ۶۶۵-۶۶۶ Atmaidan (Olearius)

۳۶. ۱۷۲۷, ۶۶۶ Senke Maidan (Olearius)

۳۷. یک دلیل اولیه اینکه کاروانسرای که در نزدیکی بازار، شمال سرای پنبه و محدوده احتمالی میدان سعادت قرار دارد؛ با نام سرای سنگی رضوی (گاراژ خورشید) شناخته شده است (گلریز ۱۳۳۷، ۳۳۶). امیرشاهی (۱۳۸۶) و نوروز برازجانی و جوادی (۱۳۹۵، ۱۵۴ و ۱۸۵) نیز سنکه میدان را به میدان سعادت نسبت داده‌اند.

۳۸. مجموعه سعدالسلطنه از وسیع‌ترین سراهای بازرگانی ایران در عصر قاجاریه محسوب می‌شود. محمد باقرخان سعدالسلطنه اصفهانی حاکم وقت شهر قزوین در اواخر دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار در سال ۱۳۱۰ ه.ق با توجه به مراودات اقتصادی ایران با روسیه و اروپا و قرارگیری قزوین در این مسیر مهم تجاری (جاده ابریشم) دستور ساخت این کاروانسرا را داد که در سال ۱۳۱۲ ه.ق به بهره‌برداری رسید.

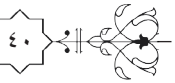
۳۹. چهارسو می‌تواند اشاره به چارسوق و تقاطع دو بازار تلقی شود؛ در این باره نگاه کنید به پرهیزکاری (۱۳۹۷، ۴۵-۴۶)

۴۰. برای اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر در این باره نگاه کنید به (دبیرسیاکی ۱۳۸۴، ۵۵-۶۶)

۴۱. با توجه به نظر گلریز (۱۳۳۷، ۵۸۷-۵۸۰) در کتیبه سردر شمالی تاریخ ۱۲۰۱ ه.ق، کتیبه ایوان جنوبی حاوی تاریخ ۱۲۰۲ ه.ق، کتیبه موجود در سردر غربی مسجد به تاریخ ۱۲۲۰ ه.ق، کتیبه درب شرقی تاریخ ۱۲۲۱ و در داخل گنبد احادیث و کتیبه‌هایی وجود دارد که تاریخ ۱۲۲۰ ه.ق در یکی از آن‌ها آمده است.

۴۲. دروازه با نام‌های دیگری نیز آمده است: دروازه گیلان/رشت، سوق الاغنام، گوسفند میدان، قوی میدان (دبیرسیاکی ۱۳۸۱، ۳۰۵، ۳۱۱، ۳۱۴، ۳۲۳، ۳۴۲).





Stevens. ۴۳

Alai. ۴۴

۴۵. در این باره توضیحات پرهیزکاری (۱۳۹۷، ۴۴-۴۸) درباره بازار قزوین در دوره صفوی قابل توجه است. اینکه احتمالاً راسته بازارهای محدودی در دوره شاه طهماسب به این محدوده انتقال یافته که همان بازارهای نام برده شده در اطراف میدان بزرگ سعادت هستند. ۴۶. البته باید در نظر داشت که بازار قزوین در دوره قاجار و پس از آن اتفاقاتی مثل آتش‌سوزی و سیل را نیز با خود داشته است و در نتیجه دخل و تصرفات برای بازسازی آن نیز قابل توجه است؛ در این باره نگاه کنید به (پرهیزکاری ۱۳۹۷، ۵۰-۶۳).

منابع

۱. امیرشاهی، اردوان. ۱۳۸۶. میدان نقش جهان اصفهان، میدان سعادت قزوین و پیش از آن. باستان‌شناسی و تاریخ (۱): ۷۹-۹۱.
۲. _____ . ۱۳۹۶. قزوین، شهری در میان باغ و باغی در میان شهر. در مجموعه مقالات نخستین همایش باغ ایرانی، ۳۴۸-۳۵۳. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
۳. پرهیزکاری، مهرزاد. ۱۳۹۷. بازار قزوین. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
۴. ترکمان، اسکندربیک. ۱۳۹۲. عالم‌آرای عباسی، جلد ۱ و ۲. تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
۵. جکسون، ویلیامز. ۱۳۵۷، سفرنامه جکسون، ایران در گذشته و حال. تهران: شرکت افست با همکاری مؤسسه انتشارات فراکلین
۶. جیحانی، حمیدرضا، و فاطمه رجبی. ۱۳۹۶. بهشت ثانی و کوچه آراسته از خرمی، شکل و جایگاه خیابان (ها) در جعفرآباد و قزوین صفوی. مطالعات معماری ایران (۱۲): ۴۱-۶۵.
۷. _____ . ۱۳۹۸. میدان اسب شاهی: جلوخان دولت‌خانه صفوی قزوین. پژوهش‌های معماری اسلامی (۲۲): ۴۳-۶۹.
۸. حناچی، نژاد ابراهیمی ۱۳۸۵. بازخوانی میدان صاحب آباد از روی تصاویر شاردن و مطراچی بر اساس متون تاریخی (از شکل‌گیری تا دوره صفویه). هنرهای زیبا (۲۵): ۳۵-۴۴
۹. دبیرسیاقی، سید محمد. ۱۳۸۱. سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن. قزوین: میراث فرهنگی با همکاری حدیث امروز.
۱۰. _____ . ۱۳۸۳. سر در عالی‌قاپوی قزوین یا آئینه عبرت. نامه انجمن (۱۴): ۱۳۹-۱۵۱.
۱۱. _____ . ۱۳۸۴. قطعیت قاجاری بودن مسجد سلطانی (مسجدالنبی). در اشراقنامه (مجموعه مقالات)، ۵۵-۶۶ قزوین: حدیث امروز.
۱۲. دلاواله، پیترو. ۱۳۸۴. سفرنامه پیترو دلاواله: قسمت مربوط به ایران. ترجمه‌ی شاع‌الدین شفا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۱۳. دیزانی، احسان. ۱۳۹۲. بازآفرینی شهر شاهی قزوین از متون و اسناد تاریخی. هویت شهر (۱۴): ۶۱-۷۰.
۱۴. _____ . ۱۳۹۳. تبیین سیر تکامل الگوی میدان شاه در پایتخت‌های صفوی ایران. هویت شهر (۱۷): ۷۷-۸۶.
۱۵. رضائی‌پور، مریم، نیره خان محمدی، و آرزیتا علیزاده. ۱۳۹۳. مطالعه تغییرات میدان‌های طراحی‌شده تاریخی بر اساس نمونه‌هایی از پایتخت‌های صفوی و قاجاری. اثر (۶۶): ۶۳-۸۴.
۱۶. ستوده، حسینعلی. ۱۳۴۸. تاریخچه قزوین. بررسی‌های تاریخی (۵ و ۶): ۱۶۵-۲۱۰.
۱۷. شاردن، ژان. ۱۳۷۲. سفرنامه شاردن. ترجمه‌ی اقبال یغمائی. تهران: توس.
۱۸. شهبازی‌نژاد، علی. ۱۳۹۸. سیر شکل‌گیری میدان نقش جهان اصفهان. مطالعات معماری ایران (۱۵): ۱۱۳-۱۳۱.
۱۹. _____ ، و حسین جعفری. ۱۳۹۵. میدان‌های شهری تاریخی با نگاهی ویژه به میدان امام علی (ع) (عتیق) اصفهان. اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۲۰. طالبی، طهماسب. ۱۳۸۶. بررسی علل انتخاب قزوین به عنوان پایتخت در عصر صفویه. فقه و تاریخ تمدن (۱۴).
۲۱. عالمی، مهوش. ۱۳۸۷. باغ‌های شاهی صفوی. ترجمه مریم رضائی‌پور و حمیدرضا جیحانی. گلستان هنر (۱۲): ۴۷-۶۸.
۲۲. فیگوئروا، دن کارسیا د سیلوا. ۱۳۶۳. سفرنامه فیگوئروا. ترجمه‌ی غلامرضا سمیعی. تهران: نو.
۲۳. قمی، قاضی احمد. ۱۳۸۳. خلاصه التواریخ. تصحیح احسان اشراقی. تهران: دانشگاه تهران.
۲۴. کالمار، ژان. ۱۳۷۹. آیین‌ها و اقتدار تشیع، تحکیم تشیع صفوی: مذهب پرتطرفدار و مردمی. ترجمه‌ی یدالله عباسی. تئاتر (۲۴-۲۵): ۳۳-۱۱۶.
۲۵. گلریز، سید محمدعلی. ۱۳۳۷. مینودر (باب‌الجنه) قزوین. تهران: انتشارات طه با همکاری مرکز نشر میراث فرهنگی قزوین.
۲۶. مجابی، مهدی. ۱۳۸۸. در جستجوی هویت شهری قزوین. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری
۲۷. نوروز برازجانی، ویدا، و محمدرضا جوادی. ۱۳۹۵. بازیابی سازمان فضایی باغ شهر صفوی قزوین از منظر پدیدارشناسی هرمنوتیک.



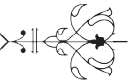


- تهران: شرکت بین‌المللی پژوهش و نشر یادآوران.
۲۸. ورجاوند، پرویز. ۱۳۷۷. سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین. تهران: نی.
۲۹. _____ . ۱۳۷۸. نگاهی گذرا به چگونگی شکل‌گیری و دگرگونی‌ها و گسترش شهر قزوین (سیمای بازسازی شده این شهر در دوران صفویه). در مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، ۲۲۳-۲۳۲. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۳۰. یاراحمدی، سمانه، مجتبی انصاری، و محمدجواد مهدوی نژاد. ۱۳۹۷. بازخوانی باغ سعادت‌آباد قزوین بر اساس اشعار عبدی بیگ شیرازی و انطباق با اسناد تاریخی دیگر. باغ نظر (۵۸): ۲۷ - ۵۰.

References

1. Alai, Cyrus. 2010. *Special Maps of Persia, 1477-1925*. Brill.
2. Alemi, Mahvash. 2008. *The Safavid Royal Gardens*. Translated by Maryam Rezaeipour and Hamidreza Jayhani. *Golestan-e-Honar (12)*: 47-68.
3. Amirshahi, Ardavan. 1981. *Le développement de la ville de Qazwî n jusqu'au milieu du VIIIe/XIVe siècle*. Paris: Libr. Orientaliste Geuthner.
4. _____. 2001. *The Palaces, The Splendour of Iran*. London, Booth-Clibborn Editions, Vol 2. 360-365.
5. _____. 2004. *Qazvin, A City in the Middle of the Garden and a Garden in the Middle of City*. In *International Congress of Iranian Garden*. Kashan: Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization.
6. _____. 2007. *Naghsh Jahan Square in Isfahan, Sa'adat Square in Qazvin and before*. *Journal of Archeology and History* 22 (1): 79-91.
7. _____. 1987. *La ville de Qazwî n en Iran et l'évolution de sa zone commercial*. Paris: Paris4
8. *British Library*. Engelbert Kaempfer's Manuscript. Ms Sloane 2910, 2923.
9. Brun, Corneille. 1718. *Voyage de C. le Brun par la Moscovic, en Perse et Indes orienttales*. Paris.
10. Calmar, Jean. 2000. *Shia, luds and Power, (Safavid Persia, Charles Melvill ed. Pembroke Papers)*, 90-139. Translated by Yadollah Abbasi. *Theater Journal (24-25)*: 33-116.
11. Chardin, Jean. 1711. *Voyages de monsieur le chevalier Chardin en Perse, et autres lieux de l'Orient (in French) [The Travels of Sir John Chardin in Persia and the Orient], Volume 1-10*. Amsterdam: Jean Louis De Lorme. via HathiTrust
12. _____. 1993. *Chardin Travelogue*. Translated by Iqbal Yaghmaei. Tehran: Toos Publications.
13. Dabirsiyaghi, Seyed Mohammad. 2002. *The Historical Course of Qazvin City and it's Buildings*. Qazvin: Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization and Hadithe-e-Emrouz.
14. _____. 2004. *Qazvin Ālī Qāpū or Mirror of Lessons*. *Nameh Anjoman (14)*: 139-151.
15. _____. 2005. *The Certainty of Qajar being Soltani Mosque (Masjed al-Nabi)*. In *Ishraqi-Nameh (Collection of Articles)*. Qazvin: Hadith-e-Emrouz, 55-66.
16. Della Valle, Pietro. 1991. *Pietro Dela Valle Travelogue: Related to Iran*. Translated by Shoa al-Din Shafa. Tehran: Elmi Farhangi.
17. Dizani, Ehsan . 2013. *Recreation of Safavid Royal City, Qazvin, Based on Historical Evidences*. *Hoviatshahr* 7 (14), 61-70.
18. _____. 2014. *Evolution Pattern of Shah Square in Capital Cities of Saffavid Era*. *Hoviatshahr* 8 (17): 77-86.
19. Figueroa, Don Garcia. 1984. *Travelogue of Don Garcia De Sila Figueroa*. Translated by Gholamreza Samii. Tehran: Nashre No.
20. Golriz, MohammadAli. 1989. *Minodar or Bab-al-Jannat Qazvin, Vol 1*. Tehran: Taha
21. Hanachi, Pirooz, and Ahad Nejhadebrahimi Sardorod. 2006. *Reviewing Sahib Abad Square Onthe Basis of the Charden's and Metraqche's Pictures and of The Historic Documents*. *Honar-ha-ye-Ziba, Memari-va-Sahrsazi (25)*: 35-44.





22. Jackson, Williams. 1906. *Persia, Past and Present*. Tehran: Offset Press Inc & Franklin Book Programs.
23. Jeyhani, Hamidreza, and Fatemeh Rajabi. 2019. *Meidān-i Asb-i Shāhī: The Frontage for Safavid Dowlatkhaneh of Qazvin*. *Reasearches in Islamic Architecture* 7 (22): 43-69.
24. _____ . 2017. *Bihisht-i Thānī and Kūcheh-yi Ārāsteh az Khurramī, Location and Layout of Avenue(s) in Jafar-ābād and Safavid Qazvin*. *Iranian Architecture Studies* 6 (12): 41-65.
25. Mojabi, Mehdi. 2009. *In Search of Qazvin Urban Identity*. Tehran: Urban Planning and Architecture Study and Research Center
26. Nooroz Borazjani, Vida, and MohamadReza Javadi. 2016. *Recovery of the Safavid Garden Organization from the Perspective of the Phenomenon of Hermeneutics*. Tehran: Yadavaran
27. Olearius, Adam. 1727. *Voyages très-curieux and très-renommez faits en Moscovie, Tartarie et Perse*. chez Michel Charles Le Céne, libraire.
28. Parhizkari, Mehrzad. 2018. *Qazvin Bazaar*. Tehran: Cultural Heritage and Tourism Research Institute.
29. Qomi, Ahmad Ibn-e Hossein. 1585. *Kholase al-Tavarikh*. National Library and Archives of Iran: Manuscript.
30. Rezaeipour, Maryam, Nayreh Khan-Mohammadi, and Azita Alizadeh. 2014. *Study of Changes in Historically Designed Squares (Meydan) based on Examples from Safavid and Qajar Capitals*. *Athar* (66): 63 – 84.
31. Shahabi-nejad, Ali. 2019. *The Development of Naqsh-e Jahan Square in Isfahan*. *Iranian Architecture Studies (JIAS)* 1 (15) :113-131
32. _____ , and Hossein Jafari. 2016. *Historic Urban Squares with a Special View at Imam Ali (Atiq) Square in Isfahan*. Isfahan: Isfahan Municipality Cultural and Entertainment Organization Publications.
33. Sotoudeh, Hossein-Ali. 1969. *History of Qazvin*. *Journal of Historical Studies* (5-6): 165-210.
34. Stevens, Roger. 1979. *The Land of the Great Sophy*. New York: Taplinger.
35. Szuppe, Maria. 1996. *Palais et Jarden: Le complexe royal des premiers Safavides a Qazvin*. *Res Orientales* Volume 3. Paris: Peeters Publisher: 143-177.
36. Talebi, Tahmasb. 2007. *Investigating the reasons for choosing Qazvin as the capital in the Safavid era*. *Journal of Fiqh and History of Civilization* (14)
37. Torkaman, Eskandar Beik. 2013. *Alam-Aray-Abbasi, Vol 1 and 2*. Edited by Iraj Afshar. Tehran: AmirKabir.
38. Varjavand, Parviz. 1998. *The Image of History and Culture of Qazvin*. Tehran: Ney Publishing.
39. _____ . 1999. *A Brief Look at How the City of Qazvin was formed and Transformed (The Reconstructed Appearance of this City During the Safavid Period)*. *The Second Congress of the History of Architecture and Urban Planning of Iran*. Volume II. Pp. 223 to 232. Tehran: Cultural Heritage Organization.
40. Wirth, Von Eugen. 1997. *Qazvin- Safavidische Stadtplanung and Qajarischer Bazar*. Berlin: Dietrich Reimer Verlag: 461-505.
41. Yarahmadi, S., Ansari, M., Mahdavejad, M. 2018. *Re-Commentary of Sa'adat Abad Garden of Qazvin A Comparative Analysis of Abdi Beig Shirazi's Poems and Historical Documents*. *Bagh- E Nazar* 15 (58): 27-50.



**Sa'adat Square (Meidān-e Saādat), Qazvin Safavid Grand Square; Re-reading and Recognizing in Safavid and Qajar Era****Reza Rahimnia ***

Assistant Professor, Conservation of Architectural Heritage Department, Faculty of Architecture and Urbanism, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran (Corresponding author)

Ali Shahabinejad **

Assistant Professor, Department of Architecture, Art and Architecture School, Yazd University, Yazd, Iran

Received: 31/5/2021

Accepted: 5/8/2020

Abstract

Qazvin, as one of the most important Iranian cities in the Safavid Era, when it was the capital, reached the peak of its development. Many of the buildings in Qazvin was built during the reign of Shah Tahmasp. Many of Safavids architecture additions to Qazvin have been destroyed, and only a few evidence of them remain now. Some of these demolitions have been so great as the existing signs in the city and buildings have been lost, and their names can be seen only in historical texts and documents. One of the Qazvin Safavid elements that have been destroyed is the city's main square. Square has been an important element of government in the capitals of the Safavid Era, and the structure, location, and functional aspects of them were remarkable. Previous studies of the Safavid city of Qazvin have attempted to depict the atmosphere of the royal city, especially during the era of greatness, although there are some differences in their final results. In some of these studies, the main square of Safavid city is Sa'adat square (Meidān-e Saādat or Senke Maidan), which is mentioned simultaneously with the Meidān-i Asb-i Shāhī (Atmeidan). Sa'adat square is the subject of this article. This square is often mentioned during the study of the Safavid city of Qazvin, but There is no detailed study about Sa'adat square independently with analyzing all the evidence. As a result, studying and identify the historical evolution of the square highlighted the need for a more detailed study about that.

The physical condition of this square, as well as its locating and how it relates to the Meidān-i Asb-i Shāhī, has formed the general structure of this research. This study tries to provide a global overview of the Sa'adat square situation by examining and analyzing historical documents, physical evidence, and especially existing historical descriptions. In addition to these studies, field surveys have also been considered, and physical evidence around the market (Bazar) and the square area have been studied. In addition to addressing the physical and functional condition of the square in the Safavid era, the historical evolution of the square in the Qajar and Pahlavi eras has been reviewed. The interaction and relationship between the main square of Safavid Qazvin with other critical elements of the city and the area of Qazvin Bazaar and its elements have been studied. According to the results, Sa'adat square is a public urban square, along with the bazaar and other vital elements, which has also been a place of representation of the Shah's policies and meetings. The location of this square, although presented with two possibilities, seems to be more filled later by Qazvin Bazaar and its constructions. It should be noted that an accurate and definite understanding of the location, dimensions, shape, and characteristics of the square requires field studies and mainly archaeological excavation, that must be considered.

Keywords: Qazvin, Sa'adat Square (Meidān-e Saādat), Sa'adat-Abad, Safavid, Qajar